زنده باد روی زمین اتحاد

پیکار خلق

(۲۶)

نیمه اول آبان ۵۸

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

درد دل یك کارگر

ماهیاست کهدار رنیروگاه نکابصورت روزمزد کار میکنیم تعداد ی ازمانزد یك به دوسال است که در بد ترین شرایط در اینجا زحمت میکشیم . باروزی ۴۰ تا ۵ تومان باید شکم زن وفرزند انمان را سیر کنیم . در آغاز به اکفتند که ماستوا بیفقط ۷۵ روز رابحاکار کنیم ، بعد از ۷ روزگفتند باید برو بهوایتا سنا ماه‌ای دیگر بر اینتا سنا ماه خود مان بیاوریم . ماسی ـ خواستیم کارکنیم ، ماحبور شد یم برای امرار معاش کار کنیم . برای اد امهٔ کار ناچار شد یم هر ۷ روز یك شنا سنا ماه خود به تحویل بد هیم ـ تنا سنا ماه‌ مرا در ، بد ر ، فرزند ، خویشان ود وستان ـ اند اخد استیم کجا را باید هر ۷ روز یك شنا سنا ماه‌ دیگر بیاوریم . بعد د آفهمید یم که اکر بیشتر از هفتاد و پنج روز کار کنیم آنوقت کارفرما تعهد اتی نسبت بما خواهد د اشت و خون شرکت مجاهد از زیر بار این تعهد ات شانه خالی کند یا ما مثل برده رفتار بنمود . زمان شاه آمریکا ئی ما مید استیم که اکر خرفی بزنیم از روزی چند زن خواهیم افتاد . بعد از اینکه مد ام ایران تنا سنا وطن فروش را از مملکت بیرون اند اختند ما خوشحال بود یم که وضع ما بهتر خواهد شد . همه ما صاحبت ارکارگر بود وهمه از زحمتکشان حرف میزد ند . ما فکر میکرد یم که یکسر آن د وران سپری شده بود حسابها که نیست . ما فکر میکرد یم کهد ولت حد ید بفکر ما است . بعد ازعید د ولت فرود ین ماه امر ارد اخت نکرد ند . معلومشد که سر حد اقل حقوق ما بین افراد مسئول در رسوگاه اختلاف نظر است . ارد بهشت شد ، حقوق ما را ند اد ند . تیر د اد شد حقوق ما را ند اد ند . د سحمعی به این وضع اعتراض کرد یم . تا اخره بعد از استماع ضعف اقتا ـ دگی (بخاطر اینکه یکی از افراد مسئول د ناباش را توی یك کفش کرد ه بود کهد استماد بعش ارد ه ۴ تومان د ر روز حقوق ند هند) توانستیم مواجب خود را بگیریم . آنها اینگفتکشان سر راست و احساتی بحقوق د ولت ند ارند حتی نمیتوانند تصور کنند کمك کارگر با روزی د ه ۴ تومان فاد رسست بکشد حرن وفرزند اش را سیر کند . آنها اینگفتلاه بر حقوق زیاد ی کهدفت ـ هشت برابر حقوق ما است میکرند . تجارت همهیکسد و یاد رخانه ـ های بد ری خود شان زند کی میکنند و کرایه خانه مفتی د هند و باحتی شاهپور شان را هم ازجیب خود شان نمید هند . حضور شوا ند تخمین کنند کهما د ۴ تومان د ر روز نمیشود یك خانواد ه خهند

شرحی درمورد اوضاع قهرمانشهر

بد نبال سرکوب ناجوانمرد انهٔ خلق کرد ، موج یورش وحمله ویکوبیدند انقلابیون وافراد مترقی د رقهرمانشهر تروروخفقانی بی سابقه که فقط یاد آورد وران سیاه رژیم پهلوی بود ، حاکم کرد یده است .

مرد م آهسته ودرکوشی بایکدیگر حرف می زنند وهشد اربیك دیگر کار روزمره شان نشده است . د راتوبوس ، د ر مرد م آهستهٔ ودرکوشی بایکدیگر حرف می زنند وهشد اربیك دیگر کار روزمره شان نشده است . د راتوبوس ، د ر محله ، د رخیابان ، د رکارخانه ، د راداره ، د رتنها سینمای شهر و بالاخره د رهمه جا مرد م بهواطب کار د ستی خود هستند . افراد مترقی وانقلابیون ، که فضای نبهند د مکراسی صورتشان راکل اند اخته بود ، د ربد رشهرهاگرد یده اند . د ردکان سبزی فروشی زنی ازکرانسی می کفت . عده ای بد هانش چشم وحته و زنی د یکریه حرف آمد " خانم زجان خودت سیرشده ای ، کسیته حی هاد سنگیرت می کنند " . حای دیکر مرد ی بآب وتاب ازماجرا زهٔ مرد بکرد ستان تعریف می کرد " کرد هاغیرنی اند ، تابه خواستشان نرسند ول کس نیستند ، تونیراند ازی هم حریف اند ارند ، سرسوزن را ازهزارمتری می زنند " .

د ولتمند ان ضد خلق همچنان تسمه های د یکتاتوری رابرکرد ه خلق فروبی کنند . موج اعتراض مرد م رااعد ام وتعقیب ود ستکیری مبارزین بصورت ابنرمه ای د رکرهٔ ا ایروان خلق محسهی کرد د .

دولت ارتجاعی بورژوازی درسراشیب ورشکستگی

هرروز که میکذرد ، هرجاکهمرد م کوچه و بازار امکان اظهار نظر بید ا میکنند ، عرتصمیمی که مجمع روحانیت اشراف منش که مزورانه نام " شورای انقلاب " رابا خود بدك میکنند ، اتخاد میکند وباهرعملی که انجام مید هند ، بکفه و بیشتر قد رت حکومتی را در بین مرد م متفرق مینماید . عم فشرین مد هبی وهم سرد مداران د ولتی هرروز بیشترخود د رخطرافراد وجدائی ازتودهٔ مرد م می بینند . د راین حرکت است که آخرین افراد متکرات و مترقی که باساد کی هنوز اعتباری برای د ستگاههای قد رت قا ئل هستند تصفیه شده و د رمقابل آن قرارمیکیرند .

تضاد های طبقاتی که بعد از قیام تخفیف یافته بنظر میرسید ، د وباره ازعمق بسطح لغزید ه و د ر تمام زمینه ها د رحال نضج کیری است . نارضایتی مرد م د ر تمام زمینه هارشد کرد ه و جوشش تدین د رپس قرد ه مرد م د رحال شکل کرفتن است . مرد م آشکارا مجلس خبرکان وقانون اساسی آن را د رهمه جا به باد ریشخند میکیرند . سئلی که ارتجاعی ترین جناح حاکم د ر حمله به کرد ستان برد است ، روی پای خودش افتاد . قد رتمند ان مد هبی که مقدرت خود مغرور شده بود ند و سران قانیست ارتش که میبند اشتند با یورش وحشیانه قاد ر خواهند شد خلق کرد را سرکوب کنند ، امروز باشکست مفتضحانه ای روبرو شده اند . هرچه آنها بیشترب اعمال وحشیانهٔ خود افزود ند ، بیشتر بقد رت بوشالی خود پی برد ند وهمچنین بیشتر ماهیت ارتجاعی عیشان برای مرد م روشن کرد ید . یك روز کفتند پالیزبان و اویسی است ، روز د یکر سالوسانه فریاد زد ند که عوامل امریالیسم و صیهونیسم د ر کرد ستان شورش بپاکرد ه اند و د ست آخرهم بایند امام و نمایند ه د ولت و عیشت تحسن نیست ازاوتودهٔ کرد ستان کرد ند تا با همان کسانی که آنها را " فاسد و خائن " خوانده بود ند وارد مذاکره شوند . مهدی بهاد ران با نامهٔ رسمی از جانب آیت الله منتظری به نمایند کی از د فتر امام ، زیبا کلام و فروهر به نمایند کی از طرف د ولت بکرد ستان رفتند و سپس د ر صد د تشکیل هیأت سه نفرهٔ د یکری از د ولت به کرد ستان برای مذاکره برآمد ند . کسانی که عزالد ین حسینی را بجرم د فاع از خلق کرد قاسد و خائن " خواند ند و ریختن خون او را حلال د انستند ، کسانی که یکی از معیارهای خلحالی حاکم بید ادکاه شرعش برای محاکمهٔ مبارزین کرد د فاع آنها از عزالد ین حسینی بود ، بس حرا آقای فروهر نمایند ه د ولتشان وارد مذاکره با او نشد ه است . آیا اینها نشانهٔ شکست مفتضحانهٔ آنها د ر کرد ستان نیست ؟ آیا اینها نشانهٔ حقانیت خلق کرد نیست ؟

د یکر آن تهمتها و پرخاش جوئیهائی که د ر اوائل حمله به کرد ستان از طرف راد یو تلویزیون بخش میشد ، مکتر بکوش میرسد . کسانی که تا د یروز علیه خلق کرد فتوای جهاد میداد ند ، باسم فرماند ه کل قواد ستور حمله صادر میکرد ند و همچنین ارتشی و د ولتی که ادعا میکرد ند شهرهای کرد ستان را یکی پس از د یکری تسخیر کرد یم بوضوع یکهفته د رآنجا آرامش کرد ستان برقرار خواهد کرد ، امروز تنها پس از د وماه میفهمد که حتی ارتش و پاسد اران د ر قلب مهاباد هم یك د قیقه راحت ند ارند و لحسن سخنانشان د یکرعوض شد ه است . اینك حرف از راه حل " سیاسی " میزنند و حرف از مذاکره د رمیان است . اینها همه نشانهٔ آنست که د ولت د رحرا ند یدی فرو رفته است . اینها همه نشان د هند ه

بقیه د رصفحهٔ ۳

د رصفحات دیگر:

- حزب توده وسازمان انقلابی . . .
- مبارزه طبقاتی اجتناب ناپذیر . .
- رویدادها واخبارکوتاه
- شوراهای رستاخیزی . . .
- چه کسانی دهقانان را . . . ؟
- مولوی مدافع امپریالیسم
- عناصر فاسد درماشین سازی . .
- یك سند افشاکننده
- تعهد اریامهری . . . .
- مدنی کیست ؟
- سخنان خمینی، دفاع از . . . . .
- جلاد خلق رشوه میگیرد

یابا مارکسیسم علیه رویزیونیسم یابا رویزیونیسم علیه مارکسیسم (۲)

رفقای مد ائی د رمقالهٔ روزنامهٔ کار شمارهٔ ۳۲ و ۳۳ کشف محیرالعقول یکری کرد ه اند ونی نویسند : " امروزحمایت ازخلق کرد یعنی حمایت ازسازمانهای سیاسی خلق کرد " وازنی نویسند : " باید بکوشیم روح فرصت طلبی وریاکاری آن است که ازمبارزات خلق کرد د فاع کنیم وآنکه مشخص کرد ه ناشیم این مبارزین چه کسانی هستند ومااز انچه کسی د فاع می کنیم " تمام این حملات ناظریه بك حکم است وآن اینکه هرکس خواهد ازخلق کرد د فاع کند باید ازحزب د مکرات کرد ستان واز افراد ی چون قاسملو وحسابی د فاع کند وهرکس که مرز بند ی روشنی با مشی رهبری حزب نماید ورای زحمتکشان ماهیت مشی سیاسی وخواستهای سیاسی رهبری حزب راتوضیح د هد بزعم فد ائیان " باارتجاعی ترین جناح هیأت حاکمه همصد انده است " و بازهم بزعم فد ائیان د رزمان حمله ولشکرکشی به کرد ستان نباید سازشکاریها وتسلیم طلبیها وبید ان خالی کرد ن رهبری حزب د مکرات رابرای بتود ه های انقلابی کرد بازکوکرد . زیراکه کویا " هرتحلیلی که بهانه بد ست نیروهای ارتجاعی واسسته به بورژوازی وخرد ه بورژوازی د اد ه ووسیلهٔ محکومیت نهضت خلق کرد وسازمانهای سیاسی آن قرار کیرد ، چیزی جزهمنوائی با هیأت حاکمه نخواهد بود . " (کارشمارهٔ ۳۲ ـ تأکید ازماست) واقعاا ستد ـ لالات عجیبی است . ۱ ـ د فاع ازخلق کرد باید باد فاع ازسازشکاران همراه باشد . ۲ ـ تاشند بد حملهٔ ارتجاع مبارزه علیه مشی سازشکارانه ممنوع اعلام میشود . ۳ ـ مبارزه علیه سازشکاران

بقیه د رصفحهٔ ۲

خلق را متحد کنیم امپریالیسم وعمالش را درهم کوبیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پاسخ مارکسیسم . . . وافشاء آن در رهبران خلق‌ و اسلحه بدست ارتجاع میدهد و وسیله‌ء محکوم کردن سازمانهای سیاسی خلق‌ کرد میشود .

تمام این اسناد لالات و مدارک بگوئی غیرازدفاع ازمشی سازشکارانه‌ئه انتهه وبیان روشن توسانات خرده ـ بورژوائی بین پرولتاریا وبورژوازی می باشد . مانخست مضمون خرده ـ بورژوائی این اسناد لالات رامی شکافیم سپس به توضیح پیرامون مشی رهبری حزب در مکرات وتحلیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ازآن می ـ پردازیم .

دفاع ازخلق کرد یعنی دفاع از زحمتکشان خلق کرد

۱ ـ دفاع ازخلق کرد نه تنها بمفهوم دفاع ازرهبری حزب دمکرات نبوده ، بلکه دفاع ازمنافع زحمتکشان خلق کرد می باشد . نمیتوان ازمنافع زحمتکشان خلق کرد دفاع نمود بدون اینکه علیه سازشکاری ولیبرالیسم بورژوائی مبارزه کرد ، بدون آنکه توده هارابه منافع واقعی خود ازنظرسیاسی آگاه نمود وازکشیده شدن آنها به دنبال لیبرالیسم بورژوائی ، که بهر حال شکست نهضت رابه دنبال دارد ، جلوگیری کرد . دفاع اززحمتکشان خلق کرد یعنی دفاع ازآنان مشی سیاسی وآن سازمان سیاسی که واقعاً درجهت رهائی زحمتکشان کرد ازدید سنتطبقاتی وملی سیرمی کند . دفاع اززحمتکشان خلق کرد مضمین به مفهوم مبارزه‌ئی امان بخاطرمنفرد کردن مشی سیاسی بورژوائی است که میخواهد منافع دهقانان رابافئودالها ، منافع کارگران وزحمتکشان رابا سرمایه داران بزرگ دوواسته سازش دهد ودرنتیجه توده‌ءزحمتکشیده‌ءمردم را همچنان درغل وزنجیرنگهدارد . دفاع اززحمتکشان خلق کرد امروز درعرصه‌ءنبرد حاد طبقاتی بویژه مضمون مشخصی بخود می گیرد . این دفاع یعنی دفاع از اتحاد به هاوی دهقانی که بشکل تشکل توده‌ءدهقانان بوده ورهبری حزب دمکرات همواره برعلیه آن بعمل نموده است . پس یامیتوان ازتوده‌ءدهقانان یعنی اتحاد به‌آنان دفاع کرد ویا ازحزب دمکرات که در آن خراب کاری نبوده است ؟ در اینجا مسئله برسرهمکاری وباعدم همکاری نیست . مسئله برسر دفاع ازرهبری حزب دمکرات است . زمانی بود که (اوائل سالهای ۴۰) ملامصطفی بارزانی باوجود خیانتش بخلق کرد وآرمانهای آن ، هنوزعملاً درراس بخشی ازخلق کرد قرارداشت واعماًمغربی وسانوسی میخواست مبارزات خلق کرد رابه ماجرجه‌ءدست امپریالیستها ورتجعین تبدیل کند . آیادرآن زمان دفاع ازمبارزات خلق کرد بمفهوم دفاع ازاردوستنه‌ءخائن ملامصطفی بارزانی بود ؟ دهها نمونه‌ءدیگر ، مثل جریانات کوثی افغانستان وغیره ، میتوان آورد . نگاهی کوتاه به مبارزات مردم قبل ازقیام بهمن ماه نیزبسیارآموزنده است . قبل ازقیام بورژوازی توانست بخشی ازمبارزات انقلابی مردم میهن مارابه زیرپرچم خود بکشاند . آیادفاع ازمبارزات انقلابی مردم بمعنای دفاع ازجریانات بورژوالیبرالی بود ؟ اینها همه درس تاریخ است که خلاف تئوری سازیهای سازمان ج . ف . خ . راثابت می کند . کشفیات رفقای فدائی مملواز ژولیده ء فکری خرده ـ بورژوائی میباشد که بهرترتیب میخواهد مواضع میانه‌ءخود رانتئوریزه وتوجیه نموده وچنین وانمود کند که ، دارای مواضع ثابت است . **پیروزی برامپریالیسم بدون شکست سازشکاری مقدور نیست**

۲ ـ اسناد لال دیگرورنامه‌ء " کار " این است که چون ارتجاع وحشیانه حمله کرد ، است بنابعلیه مشی سازشکارانه‌ءحزب دمکرات مبارزه نمود . اولاًبرای بردن آگاهی سیاسی بصیان توده ها وآگاه نمودن آنها به منافع واقعی خویش بایست اساسأبه واقعیات زنده وملموس وتجربه‌ءخود توده ها تکیه نمود . ثانیاً درزمانی که مبارزات توده ها بصورت عادی جریان دارد ، سازشکاران ازامکانات زیادی برای هامنور و عوام‌فریبی برخوردارند . باحادث شدن مبارزه درواقع لحظات آزمایش قطعی درعمل نزد یلنمی شود . دو جنین لحظاتی است که سازشکاران ولیبرالها ماهیت واقعی خود را درمقابل دیدگان همگان بمعرض نمایش می گذارند . مثلاًگریم حسامی (یکی ازهمران حزب دمکرات ورئیس کمیته‌ءنظامی درمهاباد) قبل ازلحظه‌ءارتش رحزمیخواند که اگرحمله کنند مهاباد رااشغال ـ لینگراد دوم می کیم . امازمانیکه حمله آغازشد خود این شخص برای مردم تسلیح میکرد که بیائید و اسلحه هایتان را به حزب دمکرات تحویل دهید .

درست بهمین دلیل است که انقلابیون درزمان حاد شدن مبارزه ، که سازشکاری وماهیت واقعی لیبرالها بیش ازهمیشه خود نمائی می کند وملموس می گردد ، بهترازهرزمان دیگری نمی توانند آگاهی توده ها راتسیت به ماهیت لیبرالها بالا برند . این استدلال روزنامه‌ء " کار " ، که باشند به حمله‌ءارتجاع افشاء رهبری حزب دمکرات ممنوع اعلام می کرد ، نه منطقی است ونه باواقعیات تطابق دارد . این اسناد لالات تنها نشان دهنده‌ءترس خرده ـ بورژوائی است که به نیروی دعلیاریها وعوام‌فریبها و سوءاستفاده های ارتجاع حاکم یا اینکه رفتن جنین خلق کرد به زیرپرچم مشی لیبرالی حزب دمکرات ؟

آیاجنین انقلابی مردم ایران که پس ازقیام بهمن ماه ، رافشکست رابیمود به دلیل عوام‌فریبیها ودغلکاریهای شریف امامی مرتجع ، ازهاری مزدوروبختیارخود فروخته بود ویابه دلیل اینکه سازشکاران لیبرال ومذهبی بصدند قدرت رسیدند ؟ مارکسیسم ـ لنینیسم به ما می آموزد وتجربه به ماشان میدهد که منفرد کردن مشی سازشکارانه ، طرد رهبری حزب دمکرات ، غلبه‌ءمشی انقلابی وتأمین سرکردگی پرولتاریا است که جنبش انقلابی خلق کرد راشکست ناپذیر می نماید .

ماکمونیست هستیم کمونیستها مسائل وجریانات رااز دریچه‌ءخاصی یعنی دریچه‌ءمبارزه‌ءطبقاتی پرولتاریا می نگرند . امامازمان ج . ف . خ . بابه عاریه گرفتن برخی ازتئوریها واصول مارکسیسم ـ لنینیسم در مورد دشمن عمده و نیروهای متفرقه شوند و غیره سعی در مخدوش کردن موضع پرولتاریا وبه رمبارزه‌ءطبقاتی را دارد . سازمان ج . ف . خ . هیچگونه پایبندی اصولی حتی به مواضع وادعاهای خود ندارد . آنها درحالیکه افشاءحزب دمکرات رااز دن اسلحه بدست ارتجاع می دانند خود درست درچنین شرائطی زشت ترین لحن پراکی راتسیت به کفرانس وحدت روامی دارند . آری اینجاست که باید دوغ ازدوغاب مسلماً ازهم اکنون جدا گردد . **انتقاد باید با مشخص کردن آن در عمل همراه باشد**

در رقسمت آخرمقاله‌ءروزنامه‌ء " کار " رفقابه اصطلاح خواسته اند انتقاداتی چند به حزب دمکرات مطرح کرده باشند . اما انتقادات مطروحه دراین قسمت درچهارجوب یکسری کلیات وانتقادات صرفاًتئوریک باقی مانده است و بهیچ روی بازگوکننده‌ءماهیت واقعی رهبران حزب دمکرات نیست . مضمون اصلی انتقاد سازمان ج . ف . خ . به حزب دمکرات آنست که بعلت " ماهیت خرده ـ بورژوائی ومدکراتیسم غیر پرولتری حزب " (کار ۳۳) مسئله‌ءملی راسیت به مبارزه‌ءطبقاتی عمده می کند . این انتقاد اگرچه در اساس درست است امابهیچوجه بیانگرمشی سیاسی حزب دمکرات نیست . روزنامه‌ءکارا گرچه به رستی می نویسد که " . . . . کوشش درجهت عمده کردن مسئله‌ءملی وتحت پوشش مسئله‌ءملی به استقبال آشتی طبقاتی رفتن یک سیاست کاملاًبورژوائی است ، سیاستی که نه تنها مسئله‌ءملی را حل نمی کند ، بلکه انگیزه زمینه ءاران وبورژوازی کرد باعث میشود که حرج مبارزه‌ءملی نیزکند ترشود وخیانت فرصت بیشتر مبارزه را ازخلق کرد بازستاند " . امامقاله‌ءمذبورهیچوجه ابعاد این سیاست رابطورمشخص نشان نداده است وروزنامه‌ءکارا تاکی کوئی وطرح مسئله‌ءاه صرفاًازنظرتئوریک هیچگونه افشاگری مشخص درمورد حزب دمکرات نکرده است . رهبران حزب دمکرات نه تنهابه استقبال آشتی طبقاتی رفته بلکه مشخصاًدر همکاری بافئودالها مشترکاً بوده‌ءدهقانان برداخته اند . رهبران این حزب در نشگاه حاسوسی " قباد " موقت " رابرادر خوانده اند . (رجوع شود به بیکارخلق شماره‌ء ۲۴ ضمیمه) روزنامه‌ءکارمی نویسد " حزب دمکرات یک حزب بادمکراتیک ناکارایشات لیبرالی است " . نگاهی کوتاه به برنامه‌ءاین حزب که ماحتی ازآرادرپیکار خلق شماره‌ء ۲۴ آورده ایم ، بخوبی نشان می دهد که " دمکراتیسم " این حزب آنچنان " دمکراتیسمی " نیست که برای امپریالیسم قابل قبول می باشد . مشی سیاسی این حزب نه تنهادمکراتیک (حتی دمکراتیسم خرده ـ بورژوائی) نبوده بلکه بنا حزبان لیبرالی و سیرای امپریالیسم قابل پذیرش می باشند که جهت فریب توده هاازنسبت " دمکراتیک " بخود می گیرد .

ازسازمان ج . ف . خ . باید پرسید شماکه این فشار ادعای شرکت درعمل مبارزاتی دارید پس چرا ازاشتباه اعمال نگیر مبرری حزب دمکرات پرهیزکرد و نه تنها به کلی کوئی تئوریک بسنده نمود ؛ اید ؟ بنظرما در برخورد به حزب دمکرات آنچه بیش ازهمه برای ما اهمیت دارد مشی سیاسی رهبری کننده‌ءاین حزب است . مشی وبرنامه‌ءسیاسی این حزب بهیچوجه در جهت آزادی ، استقلال ودمکراسی توده ای نبوده و بلکه آنچنان برنامه وسیاستی است که درچهارچوب نظام پوسیده به امپریالیسم گنجد . آنچه که درمقابل این حزب باتعیین می کند کیفیت آن نبوده و بلکه کیفیت آن یعنی مشی ، برنامه وجهت گیری سیاسی آن می باشد . برای تعیین سیاست واتیکیک صحیح درمقابل این حزب باید در وحله‌ءاول کیفیت آنرادر نظر گرفت . براین اساس ، وبویژه باتوجه به نفوذ نسبتاً گسترده‌ءاین حزب درکرد ستان ، تقویت وباتضعیف جنبش انقلابی درکرد ستان بطورمستقیم‌تگی به سر نوشت مبارزه بین مشی دمکراتیسم انقلابی ومشی لیبرالی حزب دمکرات در اید . اگرمشی لیبرالی حزب دمکرات همچنان به حیات خود ادامه داده وبتواند توده های وسیعی رابه زیرپرچم خود بکشاند مسلماً ازهم اکنون

چه کسانی . . . . ازاینمی رود ؟ در رسالت

صحبتشان می گویند " درجامعه‌ءاسلامی فقیر و غنی دربرابرقانون مساویند " ؟ !

زحمتکشان می دانند درجامعه‌ای که فقیروغنی وجود دارد هرگزبرابری وجود نخواهد داشت . ویرای از بین بردن فقربرابر سرمایه داران وارباب رابازبین برد (یعنی سرمایه درآورا) درهیچ کجای دنیاهم قانونی وجود ندارد ونخواهد داشت که منافع زحمتکشان وسرمایه داران رابه یک پیمان در بریگیرد . قوانین جامعه رابا ارباب وسرمایه داران می نویسند که دراین صورت به نفع آنان وبرعلیه زحمتکشان است ـ مانند قانونی که بوسیله‌ءسرمایه داران ورجانیون در رمضان جرگان نوشته میشود وزحمتکشان ونمایندگانشان درآن دستی ندارند یا اصلاًاین نمایندگان همراهشی نشانند ـ و یاقوانین جامعه رازحمتکشان می نویسند واجرامی کنند که درآن صورت برعلیه سرمایه داران وچپاولگران رنگارنگی باشد وبه نفع کارگران ودهقانان وخلقهاست .

درمدت همین مدت ماه ازعمرحکومت جدید کهاقوانین جمهوری اسلامی فقیروغنی رابرابر برگرفته ؟ مگر ساواکیها وفرماندهان جنایتکارارتش رژیم پهلوی (که یکشبه اسلامی شده اند) وسرمایه داران خونخوار را طبق همین قوانین بفقرکرده ؟ ویاروغن جوانان مبارز کرد وغرب ـ این فرزند ان کارگران ودهقانان را ـ پس ازنیم ساعت محاکمه به جوخه‌ءاعدام نسپرده اند ؟ این گونه فقیروغنی دربرابرجمهوری اسلامی مساویند ؟ عوام فریبی بس است .

درطی رأی گیری آقای کریمی ازاقلیت پشتیبانی کرد ند . اقلیتی که مخالف رأی گیری آزاد وعمومی بودند . بله باآن حرفهائی که ایشان می زند غیرازاین همینهاو ستند عمل کنند . ازاین روبود که دربرابراعتراض دسته جمعی دهقانان بروبشان فریاد می زند ومیگوید " شما می خواهید وقت مراتلف کنید . زیاد پافشاری کنید . خودم تصمیمی گیرم . حکومتی دارم و پنج نفرراانتخاب می کنم هرکس مخالفت کند ضد انقلاب است وسروکارش بافرمانداری ومن است . اینجاکشور اسلامی است نه جمهوری دمکراتیک " . ؟ !

دهقانان مارنجوب دفت کنید کریمی همان چیزهائی رامیگوید وعمل می کند که دولت بازرگان وروحانیون به قدرت رسیده برایش دیکته می کنند . اینهاهمچون رژیم پهلوی ازقدرت کارگران وزحمتکشان آزاداند وآنانرا نمایندگان وخلقهای تمام وزحمتکشت را زند . ازاین رو مجلس خبرگان رابه جای مجلس مؤسسان به مردم قالب می کنند . روزنامه های مترقی راتوقیف مینمایند و ۲۴ ساعته آزاد پوتونلوبیزیون برعلیه مبارزین و انقلابیون لحن پراکی می کنند . چنانکه زمانه ازهم آزادی انتخابات تعیین هیأت مدیره تعاونی می نرسد . وتهدید می کند ودهقانان راضد انقلابی می خواند . همچون دولت بازرگان که دهقانان کرد راکه برای خود مختاری وازبین

بقیه درصفحه‌ء ۳

شکست جنبش انقلابی خلق کرد قابل پیش بینی می ـ باشد . بنابراین دفاع ازانقلابی ، و نه دفاع شر ـ دوستانه وکشیش مآبانه ، ازخلق کرد ومبارزات آن ، که باجذر وهمه جنبش در رستا مرابرابرابطه‌ءمستقیم دارد ، باید بطورواجتناب ناپذیر درجهت افشاء رهبری حزب دمکرات وطرد کامل مشی سیاسی آن ازدرون جنبش باشد . این مبارزه رابایدبعنوان یک اهرم اساسی در دست گرفته وهمراه بامبارزه علیه دشمن عمده به پیش برد . هرگونه ملاحظه کاری وتئوری بافی درجهت تضعیف وبه فراموشی سپردن این مبارزه صدمات جبران ناپذیر بجنبش انقلابی خلق کرد وارد می آورد .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ء کارگر
www.peykar.org

دولت ارتجاعی . . . .

آنست که دولت نه تنها نتوانست آتش مبارزات قهرمانانهٔ خلوکرد را خاموش کند، بلکه دامنهٔ این مبارزات هرروزوسیعترمیشود و از دیگر سوناراضایتی عمومی مردم هرروز شدید تر میگردد . قیمت اجناس مصرفی بطور سرسام آوری سیر صعودی را میپیماید و گرانی دیگر برای مردمی که آنچنان قهرمانانه مبارزه کرده اند تا به بزندگی بهتر دست یابند ، قابل تحمل نیست ، مسئلهٔ مسکن کماکان لاینحل مانده است ، موج بیکاری بخش وسیعی از مردم را به مبارزه کشانیده است . بالاخره اعمال سرکوب گرانهای که مجریان حکومتی از کمیته‌های امام و پاسداران گرفته تا نوای ارتشی وغیره نسبت به توده‌ٔ مردم روا میدارند ، همه و همه توده‌ٔ مردم را به کورهٔ آتشفشانی تبدیل کرده که یك روز به صورت مبارزات دلیرانه‌ٔ صیادان بندر انزلی سر بلند میکند ، روز دیگر بصورت راه پیمائی کارگران بیکار و یا مبارزات دانشآموزان مشاور میگردد و در جای دیگر بصورت عصیانهای دهقانی مثل روستاهای قائم‌شهر ، روستاهای اطراف شیراز ، اطراف اصفهان ، مانکو ، آباده و اطراف طهران وغیره قدرت می افزایند . قدرت حاکمه امم از دولت ، قشریون ضد ملی و قوای اجرائی آنها در رسیدن بحملت ماهیت بورژوائی شان قادر بحل هیچکدام از این مشکلات اجتماعی نیستند و در مقابل رشد نارضایتی مردم تنها میتوانند به قوای قهوه سرکوب بگر پناه ببرند و نتیجتاً هر روز در بحرانهای شدیدتری فرومیروند . ناشی از رشد مبارزات مردم تضادهای درون قدرت حاکمه نیز هر روز شدیدتر میگردد و اینك هر کدام از جناحهای قدرت می کوشند لشکر کشی و کشتار خلق کرد را بگردن دیگری بیندازد . مثلاً مهدی بهار ان در گزارش خود میفهمید : "زیرا قدرت الهاء و مالکین که در رژیم گذشته عامل اجرائی شاه در منطقه بود ماند که توسط افرادی نظیر آقای دکتر چمران ، تیمسار ظهیرنژاد فرمانده لشکر ۶۴ ، سرهنگ شهبازیان و سایر فرماندهان ارتشی وزاند ارمری تامین شده ، صلح نداشته اند و در برابر مردم مستضعف که سالیان زیاد از دست قدرت الهاء رنج کشیده اند تحت فشار قرار میگرفتند . "۶" . در سراسر کردستان و آذربایجان غربی یکی از عوامل جنگ و خونریزی وجود ملاکانهای ساواکی یا متعصب و مرتجع و قشرالهای صلح است که توسط ارتش و ژاندارمری صلح شده اند ."

بورژوازی لیبرال نیز میکوشد در امر تنگین خود را ظاهراً از ماجرا بیرون بکشد و به اصطلاح نقش صلحجو را بازی کند مثلاً دریوش فروهر را برای دیدار با شیخ عزالدین حسینی به کردستان میفرستد و آقای زیبا کلام را در رأس یك هیأت تحقیق تحت‌الوناء مهاباد بیفتاید . روحانیت انحرافی متشبث با تسلط انحصاری خود بر مجلس خبرگان و تصویب تمام قوانین در جهت تحکیم سلطهٔ بلامانازع خود و با جنگ اندازی به تنهای هیأت دولت نیز موجب تشدید تضادهای درون قدرت سیاسی گردیده و این امر نیز به عمق بحران موجود افزوده است . هرچه تضادهای درونی قدرت حاکمه شدیدتر گردد ، ماهیت واقعی آنها بیشتر برای توده مردم آشکار میگردد . امروز علیرغم تمام کوششهای جناحهای حاکم برای تحت نگهداشتن مردم و براه انداختن نظراتی تحت عنوان وحدت امت و امام و امثالهم اوجگیری نارضایتیهای مردم هر روز وسعت بیشتری میگیرد . جناحهای مختلف قدرت حاکمه در مقابل این اوجگیری نارضایتیهای مردم که بصورت عرضه های متعددی از مبارزه متجلی می گردد ، سیاستهای مختلفی در پیش گرفته اند . جناح قشریون ضد ملی تلاش دارد با وعده و وعید و تبلیغ سیاست صبر و انتظار مبارزات مردم را تعدیل بخشیده و آتش خشم آنها را فروبنشاند . این سیاست در مقابل شرائط سخت زندگی مردم هر روز کارآئی خود را بیشتر از دست میدهد . این جناح هرآنچه که بیشتر در سیاستهای عوامفریبانه خود شکست میخورد ، بهمان اندازه بیشتر به تمایلات فاشیستی و سرکوبگرانه پناه میبرد و بدین ترتیب نزد یکی و رقابت جناحهای فاشیستی موجود در ارتش و در دستگاههای دولتی و با قشرالهاء و مالکین فشرده تر میشود . جناح بورژوازی لیبرال که نتوانسته حاکمیت خود را در قدرت سیاسی اعمال نماید و هرروز در مقابل جناح انحصارطلب ضد ملی بیشتر بعقب رانده میشود ، در اوج یکنوی تلاش دارد که با استفاده از نارضایتی عمومی مردم و با اظهار مخالفت علیه سیاستهای جناح انحصار طلب ضد ملی توده های مردم را بزیر پرچم خود بکشد . چنین است که سران حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان همواره با سران جبهه" ملی و دیگر عناصری از بورژوازی لیبرال پشت سر هم جلسات وسیع برگزار مینمایند و سیاستهای قشریون ضد ملی را مورد حمله و انتقاد قرار میدهند . آنها به قشریون حکمران حمله میکنند که تصویب ولایت فقیه بصورت "ولایت امر و امامت امت" نفی حاکمیت مردم است ، که جناح حاکم ضد ملی آزادی سیاسی را سلب کرده است ، که آنها آماده اند در مسئلهٔ کردستان وساطت کنند و راه حل سیاسی بیابند . اما تمام "آزادیخواهی" آنها بخاطر اینست که از قدرت مردم برای تصفیه حسابها و رقابتهای درونی خود سوء استفاده کنند و مردم را بازیچهٔ قدرت طلبیهای خود قرار دهند . همین "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" که خود را منادی "آزادیخواهی" میداند در آذربایجان یعنی از جائیکه قدرت دارد ، آزادیخواهان واقعی را شکار میکند ، به کمیته ها میکشاند و حبس و شکنجه میکند . طرفداران همین حزب در آذربایجان نظاهرات و مبارزات حق طلبانهٔ کارگران بیکار را مورد سرکوب فاشیستی قرار میدهند . همین حزب که امروز بیکاره مدافع "راه حل سیاسی" در مورد مسئلهٔ کردستان شده است تا دیروز تعداد زیادی پاسدار از تبریز روانهٔ کردستان میشود که یکدسته از آنها توسط مبارزان کرد دستگیر وخلع سلاح شدند و دوباره بتبریز پس فرستاده شدند . مگر طرفداران همین حزب نبودند که در همکاری با قاضی طباطبائی (رئیس کمیته های تبریز) سرکوب دهقانان هشتورود و سراسکند که علیه مالکین قیام کرده بودند برپا دارند ؟ باید از رهبران این حزب پرسید شما که امروز لبریز از آزادیخواهی به تن کرده اید و مدافع "راه حل سیاسی" در کردستان شده اید چرا در دوران "آزادیخواهی" خود را علیه ملا حسنی در ارومیه که هر روز فئودالهای کرد در آذربایجان غربی را مسلح میکرد و میکشد ، بلند نکردید ؟ آری آقایان ، تظاهر شما به آزادیخواهی و دفاع از حاکمیت مردم وسیله‌ای است برای فریب مردم ناراضی . بدانید که مردم دیگر از تجارب تلخ گذشته درس گرفته و فریب ظاهر فریبندهٔ شما را نخواهند خورد .

آنچه امروز بوضوح مشاهده میشود اینستکه هردو جناح قدرت حاکمه درقلب پرتگاه یك بحران سیاسی اقتصادی قرار گرفته اند . هردو جناح میخواهند بطریقی با این بحران دست و پنجه نرم نمایند که موقعیت خود را در قدرت حاکمه تحکیم بخشند . هریك از جناحین برای رسیدن باین مقصود تلاش دارد که مبارزات اعتراضی مردم را در جهت منافع خویش تغییر جهت دهد و شکست دیگری را بر خلق ما تحمیل نمایند . امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن که بخوبی میدانند که خطر عمده برای آنها از جانب توده‌ٔ مردم است و از سوی دیگر به تجربه دریافته اند که یك قدرت متمرکز مرکزی دراز مدت میتواند منافع عامرگارگران آنها را تأمین نماید ، سعی بر آن دارد که هردو جناح را در سرکوب خلق و نیروهای انقلابی یاری دهد و از اختلافات آنها برای بر روی کار آوردن یك قدرت متمرکز مستحکم و قلدر مش که بتواند بر تمام جامعه تحکم کامل داشته باشد ، سود میجوید . نگاهی بتاریخ اواخر حکومت قاجار و کودتای سید ضیاء و سپس کودتای رضاخان قلدر (اواخر ۱۲۹۰ اوائل ۱۳۰۰) بسیار آموزنده است . در شرائط کنونی افرادی مثل تیمسار دریادار مدنی میخواهند همان نقش رضاخان را بازیکنند . امپریالیسم میخواهد مرتجعترین عناصر هرد و جناح را در یك مجموعهٔ متمرکز در تحت هدایت خود جمع آورد و سلطهٔ بلامنازع خویش را تحکیم بخشد . اما مردم میهن ما هر روز بیشتر ماهیت تمام این حیله گری ها پی خواهند برد و خود را برای انجام یك انقلاب دمکراتیك ملی واقعی در تحت رهبری پرولتاریا آماده خواهند کرد .

چه کسانی ...

مبارزه می کنند ضد انقلاب میخواند وازهوا بیماو تانکهای آمریکائی برای مبارزان ویران کردن شهرها و روستاهای آنان استفاده می کند . کریمی میگوید پنج نفر را انتخاب می کنم . نه آقا این انتخاب نیست . انتصاب ازبالاست . واینکار را رژیمهای ضد مردمی ازخطر هستند .

"اینجا جمهوری اسلامی است نه کشورجمهوری دمکراتیك ! "آقای فرماند ارجرابرای دهقانان روشن نکرد که کشورجمهوری دمکراتیك چه کشوری است وچه فرقی با جمهوری اسلامی دارد ؟ وقتی دهقانان انتخابات آزاد را میخواهند ایشان می گویند "اینجا جمهوری اسلامی است . پس حرف ازانتخابات آزاد نزنید " پس معلوم میشود که جمهوری اسلامی با آزادی ها مخالفت دارد . وکسانی را که خواهان حق خود هستند بعنوان ضد انقلاب به بند می کنند . البته که آزاد وجود ندارد . این ارتجاعیان دزعمل به یك کلمه وفقط دو حرف بود که ازجمهوری اسلامی بعنوان کشور آزاد سخنهایی نمیدند که خونینتانه در حرف معترف شد که آزادی می آزادی . آزادی جنایتکاران وسرمایه دار ان بله / آزادی زحمتکشان وانقلابیون طرف دار آن خیر .

کریمی در رهنمودیکه کشاورزان پلنبارچه سروهیجان محضی ارگذاشته اعلام داشته می گفت . واجتماع بهم میخورد ـ عاصی میشود دهقانان را واخشی میخواند !! دست مزدار . وخشیرگی خود نرساند تر رفته که چه جنگی در لاهیجان براه انداخته بود که جنده بن طرزخیلی شده بودند . که چگونه جماعتی بدستان وقهه دار ان رسیخ کرده بودند تا رشهر برعلیه مارزین وخواران انقلابی که چند بن سال بسر علیه رژیم خونخوار پهلوی مبارزه کرده بودند ، شعار بدهند وشهید بدکنند . مانند جماعت دار ان شعبان بی مخ درسال ۳۲ ودوره وزارت ازهاری وختیار دهقانی که ازصحت تاشب درمزارع برنج و لباسات زحمت می کشند وتازه زیربارقرض بانکها ونزول خواران نمیتوانند کمترش را راست کند ، وحتی می باشند وآقای کریمی که مفت خورده و به دانشگاه رفته و حالا از وجود مبارزات همین زحمتکشان وشهید دار ان آنها به پست ومقام رسیده ، آقازاده ومتضد می باشند ؟ فرماند ارلاهیجان یکی ازعمال رژیم کنونی است وسیاستهایش عین سیاستهائیست که دولت سرمایه دار وروحانیون اعمال می کنند . مامورکارمان بادولت سرمایه داری وضد خلقی است واین چنین افرادی دست پرورده اش می باشند . اینهاد ریزپوشش اسلام به هرکاری دست می زنند تاسامفهشان در خطرنیافتد

(پس متحد آقا رفسنا ، مبارزه با این عمال رژیم سرمایه دار ان یاکوتیم))

((هرچه مستحکمترباد اتحاد دهقانان وزحمتکشان یاکسکیر))

((هرچه فشرده تر باد پیوند انقلابیون با زحمتکشان شهر و روستا))

گروهی ازروستائیان وانقلابیون ، حرکتاًدو هات اطراف اهتدار خوزستان ازشاهرود بخنیر و جبهه گیری درباربر زبیر ، استعفای خود را اعلام میکنند :

● بدکتر گرفتن آگاهانه افراد ساواکی و مرتجع و فاسد به عنوان مشاور مسئول در استانداری خوزستان .

● عدم توزیع عادلانه و منطقی بودجه استان وندادن اعتبار کافی جهت احیای روستاها و صرف بودجه‌های سیرهای یك و انقلابی این کلان در شهرستان های بزرك استان .

● پرداخت میلیونها تومان بودجه بیتالمال بدوستانها و قبوض جهت تثبیت موقعیت قلیلهای شخصی .

● پرداخت هزینه هایچاپ اعلامیه و پوستر قلیلهای ازسیست جمهوری ازبیت‌المال مسلمین .

● دستگیری مردم بی‌گناه وانجام چند اعدام سفارشی جهت تحکیم موقعیت‌سیاسی استانداری خوزستان .

● سیاست غلط استانداری دربرخورد با مسائل منطقه موجب کشتار مردم خرمشهر وجولوت خونین این استان نفع ایشان .

● برخورد نظامی وسلطه‌ٔ گرانه و غیر اسلامی با مسائل بچه‌ی داشتن برخوردی اسلامی ، سیاسی و مردمی وانقلابی .

● عدم همکاری استانداری باجهاد سازندگی و بجادمسکن انقلاب اسلامی سازنده خوزستان.

● ضد انقلاب نامیدن هر معترضی و هر منتقدی از طرف استانداری

اصغر ابراهیمی - فرماندار دشت آزادگان

مدنی کیست؟

اخیراً اصغر ابراهیمی فرماند ار دشت آزادگان (دست میشان سابق) ازپست خود استعفاداده وعلت استعفای خود را اعلام داشته انقلابی تیمسار دریاد ارمدنی استاند ارخوزستان ترکرده است . تیمسارمدنی که ایشان را حرص وولع خاصی می کوشد تا درخدمت امپریالیستها برباست جمهوری مرسد ، عامل اصلی درکشتارخلق عرب خوزستان می باشد .

که اینك برای سرکوب جنبش قهرمان بندر انزلی به گیلان رفته است . مادیگاً استعفای ابراهیمی ، که خود پلیسند افشا کننده است ، رامی آوریم .

" اکنون با توجه به دلایل زیر ، استعفای خود را اعلام میکنم :

● بدکتر گرفتن آگاهانه افراد ساواکی و مرتجع و فاسد به عنوان مشاور مسئول در استانداری خوزستان .

● عدم توزیع عادلانه و منطقی بودجه استان وندادن اعتبار کافی جهت احیای روستاها و صرف بودجه‌های سیرهای یك و انقلابی این بزرك استان .

● پرداخت میلیونها تومان بودجه بیتالمال بدوستانها و قبوض جهت تثبیت موقعیت قلیلهای شخصی .

● پرداخت هزینه هایچاپ اعلامیه و پوستر قلیلهای ازسیست جمهوری ازبیت‌المال مسلمین .

● دستگیری مردم بی‌گناه وانجام چند اعدام سفارشی جهت تحکیم موقعیت‌سیاسی استانداری خوزستان .

● سیاست غلط استانداری دربرخورد با مسائل منطقه موجب کشتار مردم خرمشهر وجولوت خونین این استان نفع ایشان .

● برخورد نظامی وسلطه‌ٔ گرانه و غیر اسلامی با مسائل بچه‌ی داشتن برخوردی اسلامی ، سیاسی و مردمی وانقلابی .

● توطئه و پروندسازی ایجاد بدبین خوردن علیه عناصر مسلمان و مومن به انقلاب و منفرد کردن آنها.

● حمایت علنی و رسمی از طرف استانداری

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تعهد آریامهری....

کت حق طلبانه را" بی نظمی و تشنج " وانتقال آگاهی وروحیهٔ مبارزاتی راسیکلر بکر" توطئه و تحریک " تبلیغ نموده ومیگویند هرکاهی راکه درجهت خلاف منافع آنها وبنفع اکثریت رحمتکشان میبینند ، بطرق مختلف ایست در هند ، اکنون با شروع سال تحصیلی جدید ، مدبوحانه بورش مرتجعانه شان را متوجهٔ مدارس کرده اند . در این میان نیز حکام شروع باقتوا های خود بنفع این بورش در این میزنند . چنانکه بطور مثال محمد علی رازی راه حاکم شرع کرمانشاه میگوید: " مسئولان آموزش وپرورش کرمانشاه وظیفه دارند که آموزکاران وبدیرانی راکه علیه مصالح اسلامی صحبت می کنند ، باارائه ، دلایل روشن بما معرفی کنند که در امور آنها تصمیم گیری شود . . . در صد در بیکه هر کس راکه مانع درس وتحصیل بچه ها میشود وبرخلاف مسائل اسلامی صحبت می کند شناسائی وتحت تعقیب قرار دهد " کیهان ۲ مهر ۵۸ . می سپیم که حه سه بصراحت در رابطه با شناسائی و سنگیری افرادی که

"علیه مصالح اسلامی صحبت میکنند " بحث را سه ه میشود و بد نبال اینکه تصمیم گیری بهاست که معلم شهید هرمزکرمی بیانی بتوجه ۱۴ مهر ۵۸ می — شود . معلمی زمنده که با تاثر در دنهازند خواهد ماند . بدین ترتیب حمله مرتجعین بمدارس و ارای ولنه میباشد نه یکی متوجه " در اش آموزان و یکری متوجه " معلمان است . در رابطه با دانش آموزان علاوه برهمهٔ فشارها وتضییقات به شیوه "آریامهری یعنی تعهد گرفتن بیزور ست می بازند . آیا تعهد و مسئولیتی که جوانان بملت در مقابل رنجبران میهن دارند راشیوه ها اینکونه تعهدات کذائی واجباری تحت الشعاع قرار داد ؟ آقایان متحجر شما از این ترس دارید که توده ها در سرنوشتشان شرکت فعال داشته باشند وبهمین جهت نیز در صدد رمد ارجون دیگر مکانیهای بتشکل افراد میکوشید با تعهد اجباری ازهرکت سیاسی دانش آموزان که با شیوه های قاهرانهٔ شما رتقابل نیست جلوگیری کنید . این چنین تعهد نامه های های وهوی تبلیغاتی نمایش امر اسنی بر " هیچ — کس حق تفتیش عقاید در مد ارس را ندارد " رسوائی — کند . وفقط بقطع نقش تفتیش وساسوره عقاید را ایفا میکند . چه اگرد انش آموزی بدامصای آن تن در ند هد عملاً با اخراج وباحتی در ستگیری بوسیله "اوباشان شما روبرومیشود . شما میخواهید با ایجاد ساسوور مد ارس از نشر افکار ترقیخواهانه وآزاد بخواهانه ممانعت بعمل آورید . اماگورخواند ه اید . آن د ستانی که د رزیرمکتبهای مد ارس اعلامیه های ارتجاعی حاکم بر اعلیه رزیمهاء د ست بد ست میگرد اند ند ، بساز نایستاد ه و د رخرکشد . منتهای گره کرد ه "د انش آموزان مبارز محتکر از همینه برعلیه ارتجاع حاکم وشیوه های فاشیستی بلند است وارثیهٔ محمد رضا شاه گرفتن تعهد ، ارزانی خود تان باد . ثمانه تنها در تعهد گرفتن بلکه رتعهد ر ا در ان نیز ازپیچیده رضا شاه نشانه دارید . وآیا جهدی است کهما امپریا — لیسم خونخوار آمریکا در سرکوب فریاد های حق طلبانهٔ خلق ستاه ید ، بیمانی کهد رحفظ پنجه های خونین امپریالیسم برمیهنمان وقارت د ستوخ رتحکمتان با عارتکران جهانی منعقد نموده اید . ●

نامه‌ای از یک معلم
چند پیشه - تبریز

" د ولت " انقلابی " خیلی سعی می کند که خود را د لسوز جامعهٔ فلاک زده ما نشان د هد وباصطلاح برای بیکاران کارایجاد نماید . یکی ازبرنامه هائیکه توسط این د ولت پیاده شده است استخد اهمعلمین جند پیشهی باشد . جند پیش باهوهنجاه اعلام شد که ۱۱۰ هزارد یپلمهٔ بیکارجد ب آموزش وپرورش خواهند شد که ازاین تعد اد ۳۰ هزارد یپلمهٔ بیکار بعنوان معلم جند پیشه به روستاهای ورد ست اعزام خواهند شد . هرکسی که باسمه معلم جند پیشه برخورد میشود ازخود می پرسید که این د یگرچه صیغه ایست ؟ بالاخره بعد ازآزمونها وانتخاب واجد الشرایط ها!! ازبین متقاضیان فراوان وشروع کارآموزی تازه موجه شد یم که معلم جند پیشه یعنی چه .

معلم جند پیشه یعنی همه کاره وهیچکاره . آری ما باآموزش ۸ ساعته " پزشک د ه " می شد یم ، یا پنج ساعت آموزش راه وساختمان " مهندس راه "وسا — ختمان می شد یم ، یا ۱۸ ساعت آموزشهای زراعی " مهند س کشاورزی " می شد یم و . . . . . تمام این آموزشها همهی بایستی درعرض ۵۰ روزتمام میگردیم ازاول مهرماه همهی بایستی عازم د هات میشد یم . واحالا خود شان حساب کنید که درکرمانشاه وسا وقت کمی که داشتیم حکومت میتوانستیم روزانه با ۱۰ ساعت د رکلاس درس نشستن قادر به فهم مطالب گوناگون علمی باشیم . آری این بود برنامهٔ آموزشی د ولت برای معلمین جند پیشه .

بعد ازد وماه ورکارآموزی صد ای اعتراض عناصر آگاهی که بهبود کی این برنامه رادرک می کرد ند بلند شد . اولین سازیکه معلم ازاش معلومات واشناسائی است آخرشما خود تان حساب کنید که حکومت میتواند این مطلب مهم را در یک کلاس ۳ ساعته سرهم بندی کرد ؟ د رعرض کلاس تعلیمات دینی را ۲۸ ساعت تعیین می کنند .

د ولت وقد رتمند ان حاکم هرزیانه ازیکطرف ازضرورت بامور مد هبی زنند وازسوی دیگرامادر عمل د رصدد برآمد ند تا بنام برنامه کلاسهای معلمین جند پیشه اختی خود مسئولین د وره "کارآموزی را د رتصمیم گیری شرکت نه دهند . امروزمسئولین امربالا خره به غلط بودن برنامه شان می برد ه وباصطلاح خواهان بید اکرد ن راه حل آن هستند . منتهااین راه حلرا میخواهند ازبالا به ما حقنه کنند . همینکه نظری از ۳۰ هزارمتقاضی د حد اقل ۲ هزارنفرمیی خواسته میشود . خود می — نشینند وتصمیم می گیرند وبرنامهٔ فوق رانیمه محصل می کنند . بدین ترتیب که عده ، اوراازطریق مصاحبه مورد می نمایند وبافتمانه د رابه جهاد سازندگی روانه میسازند . وبنبینیم که د ولت ضد انقلابی کنونی حکومت د رمقابل نیروهای فعال وآماد ه بکار مام وطن مانع بثبت مانع ایجاد میکند .

نتیجتاً نگویم که تاسیسم اداری ضد خلق زمان محمد رضا شاه برنامهٔ جواب ادارات ومؤسسات مختلف همین ماسایه افکنده است نمیتوان ازبهبود وضع زندگی توده های رحمتکش مردم سخنی بمیان آورد . پیاده کردن تاریست وسیس پایین کرفتن بی طرح معلمین جند پیشه ۲ میلیون تومان ازبود جاه که می بایست صرف رفاه رحمتکشان بشود ، رابی ثمر د رخود باعید . این خود د رنه زن به اموال خلق است . بایستی مسئولین امرازد رد اگاه خلق سه حاکمه کنید . "

مبارزه طبقاتی

ونوده های دهاتی ، د رمجموع رحمتکشان شهروند ه پاسخ مثبت د هد والزاماً سرکوبی فهری وضد اوامرانوده ها که هرروزبرمیزان نارضایتی واعتراض آنها افزوده می شود ، راکاملاً ضروری میسازد . د ستجات مد هبی حاکم که برقعال مایشائی فقیه تکیه د ارند د رترین نوع سیستم سیاسی را برتوده ٔ رحمتکش روا خواهند د اشت . بورژوازی لیبرال که تمامها فع ملی را به امپریالیسم فروخته ، د رسلکهٔ اوحکومی بحران اقتصادی — سیاسی هرگونه تحرک واستکارعمل را از دست د اده ونتیجه اراه حساب خویش در آستانه سومی بیشترنه پیشکاه امپر — یالیسم می بیند . نتیجه ٔ طرح سیاستی د رواقع بود ن توده ٔ رحمتکش بغریزد ترین نوع مطالبه واحقاق اقتصادی — سیاسی می باشد . تمام این عوامل نمی — تواند موجب برانگیخته شد ن توده ها به مبارزات د رکیریسها نشود .

هم اکنون فترین مرتجع مد هبی د ست به وجود آورد باند های سیاه تروریستی ، مثل " سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی " کمیته ها" سپاه حامکان " یا بند اران وفیره ، زده اند که همگی تحت عنوان " حزب — الله " مغریب توده ها می پرازند . قسمتی ازخود ه — بورژوازی د مکرات شهر نیز نمایندگی پیاپیند یه اعتقاد مد هبی وبد وکانکی را تی خرده بورژوازی د رعمل بد نبال حاکمیت اختناق آورد یکانتوری ولایت فقیه کشیده شده اند وامروزه د رمقابل شکل گیری جنبش تشوری تسلیم وکرنش را میوظه می کنند (موضعگیری سازمان مجاهدین خلق ایران د رمورد مسئله " انشکاهها و سکوت آنها د رمقابل مسئله ٔ کرد ستان وفیره) .

خرده ٔ بورژوازی د مکرات اکرچه ازنعد یات سرچشمه ٔ که بوسیله ٔ سرمایه ٔ بزرکه بیرولتاریا ورحمتکشان وارد میشود ، ونسبت به سیاستها واعمال فشارترین د مد هبی ابرازنکرانی ونارضایتی می نماید ، اما همواره مبارزات پرولتاریا رابی نظمی وبی قانونی تلقی کرده و خواهان تخفیف آن می باشد . کمونیستها باید با اشاعهٔ همه جانبه ٔ مکراتیسم پیکیر پرولتاریائی ، ماهیت د مکراتیسم خرده ٔ بورژوازی را بمردم نشان د هند و از فعالیت این د ستجات برای آموزش سیاسی مردم استفا د ه نمایند . کمونیستها برای کسب رهبری د رمبارزات وبی یاست د مکراتیسم خرده ٔ بورژوازی را افشاء نموده وبی ثمربودن آن را به مردم نشان د هند .

امروزد ستجات مختلف خرده ٔ بورژوازی د مکرات نظیر سازمان مجاهدین خلق ، مسلمانان مبارز ، حاما وسازمانهای جنبی آنها مثل د انشجویان و . . . . . ؟ ترین سیارهای پرولتاریا — ثوره های دهاتی ، د رمجموع رحمتکشان شهروند ه پاسخ مثبت د هد والزاماً سرکوبی فهری وضد اوامرانوده ها که هرروزبرمیزان نارضایتی واعتراض آنها افزوده می شود ، راکاملاً ضروری میسازد . د ستجات مد هبی حاکم که برقعال مایشائی فقیه تکیه د ارند د رترین نوع سیستم سیاسی را برتوده ٔ رحمتکش روا خواهند د اشت . بورژوازی لیبرال که تمامها فع ملی را به امپریالیسم فروخته ، د رسلکهٔ اوحکومی بحران اقتصادی — سیاسی هرگونه تحرک واستکارعمل را از دست د اده ونتیجه اراه حساب خویش در آستانه سومی بیشترنه پیشکاه امپر — یالیسم می بیند . نتیجه ٔ طرح سیاستی د رواقع بود ن توده ٔ رحمتکش بغریزد ترین نوع مطالبه واحقاق اقتصادی — سیاسی می باشد . تمام این عوامل نمی — تواند موجب برانگیخته شد ن توده ها به مبارزات د رکیریسها نشود .

هم اکنون فترین مرتجع مد هبی د ست به وجود آورد باند های سیاه تروریستی ، مثل " سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی " کمیته ها" سپاه حامکان " یا بند اران وفیره ، زده اند که همگی تحت عنوان " حزب — الله " مغریب توده ها می پرازند . قسمتی ازخود ه — بورژوازی د مکرات شهر نیز نمایندگی پیاپیند یه اعتقاد مد هبی وبد وکانکی را تی خرده بورژوازی د رعمل بد نبال حاکمیت اختناق آورد یکانتوری ولایت فقیه کشیده شده اند وامروزه د رمقابل شکل گیری جنبش تشوری تسلیم وکرنش را میوظه می کنند (موضعگیری سازمان مجاهدین خلق ایران د رمورد مسئله ٔ انشکاهها و سکوت آنها د رمقابل مسئله ٔ کرد ستان وفیره) .

خرده ٔ بورژوازی د مکرات اکرچه ازنعد یات سرچشمه ٔ که بوسیله ٔ سرمایه ٔ بزرکه بیرولتاریا ورحمتکشان وارد میشود ، ونسبت به سیاستها واعمال فشارترین د مد هبی ابرازنکرانی ونارضایتی می نماید ، اما همواره مبارزات پرولتاریا رابی نظمی وبی قانونی تلقی کرده و خواهان تخفیف آن می باشد . کمونیستها باید با اشاعهٔ همه جانبه ٔ مکراتیسم پیکیر پرولتاریائی ، ماهیت د مکراتیسم خرده ٔ بورژوازی را بمردم نشان د هند و از فعالیت این د ستجات برای آموزش سیاسی مردم استفا د ه نمایند . کمونیستها برای کسب رهبری د رمبارزات وبی یاست د مکراتیسم خرده ٔ بورژوازی را افشاء نموده وبی ثمربودن آن را به مردم نشان د هند .

امروزد ستجات مختلف خرده ٔ بورژوازی د مکرات نظیر سازمان مجاهدین خلق ، مسلمانان مبارز ، حاما وسازمانهای جنبی آنها مثل د انشجویان و . . . . . ؟

اگرچه د رموقعیت فعلی عوامل د هنی انقلاب بطور عمومی هنوزضعیف است ، وبارزترین نمود آن تفرقهٔ موجود د رجنبش کمونیستی می باشد ، اماطبقات حا — کمه ٔ ارتجاعی که برسیاد جامعه ٔ عقب ماند ه وبحران زای کنونی قرارد ارند نیزضعیف می باشند . اخکری که امروزد رکرد ستان قهرمان فروزان کرد یه امید بخش واحکیزی انقلاب د رسرتاسراین است وبراستی که ضرب المثل " ازجرقه حریق برمی خیزد " د رانجا مصد اوپید امیکند . هرهند که نیروهای لیبرالها وفترینون مد هبی بظاهرموقعیت خود راتثبیت می کنند ، د ر عمل آگاهی شد ه ٔ مردم مسبت به ماهیت آنها بیشتر خواهد شد واین حقیقت نیزبه ثبوت خواهد رسید که پرولتاریا تنها طبقه ٔ ثابه آخرانقلابی است . تمام این شرائط زمینه ٔ مادی رهبری پرولتری د رانقلاب د مکراتیک ملی رابیشترفراهم خواهد نمود . بنابراین وظیفه ٔ اصلی پرولتاریا د رمرحله ٔ کنونی برپاد اشتن ستاد رهبری کننده ٔ خود بعنی حزب کمونیست و فراهم ساتیدن د رانقلاب د مکراتیک ملی می باشد . لذا بد ون کوحکترین اغماض از اهد اف سوسیالیستی سیاست تمام فعالیتهارا د راین جهت برنامه ریزی کرد .

کمونیستها باید تاکتیکها وسیاستهای عملی خود را بسیارنجز گیری مبارزه ٔ پرولتاریا وتوده ٔ رحمتکش تلفیق د هند . آنها رعین اینکه از رکیریسهای زود رس حد ر می کنند اما هرکرمبارزیستند تاملا بکرد ن شعارها از بروزد رکیریسها جلوکرفته ویاآنها را منحرف کنند وبا — حتی بتعویق بیندازند . کمونیستها باید با آمادکی کامل به پیشوازاین د رکیریسها ومبارزات پرولتاریا که بطوراجتناب ناپذ یرنزخ می د هد ، رفته وبد بوسیله برنفوذ واعتبارخود د رمیان توده ها بیارافزاید . بکذار که د راین مبارزه ٔ طبقاتی روبزیرنویسهای حزب توده ٔ ومجاهدان انقلابی " این کارگزاران سسکوویکن ، زوزه بکشند کهد ولت " ملی ومترقی " است ویا اینکه بیاید علیه د ولت جنکید . آنها راین رهکذ ر ریشه ٔ توشه ٔ ۴ بحزبزباله د ان تاریخ نخواهند د اشت .

کمونیستها که د رراه پیروزی انقلاب ورهائی خلق مبارزه می کنند ، می بایست ازهم اکنون بکاروسیع سیاسی د ر میان پرولتاریا ورحمتکشان بپرد اخته ، عوامفریبی های لیبرالها وفترینون مد هبی وروبزیرنویسهاراافشاء کرد ، وبی ثمری د مکراتیسم خرده ٔ بورژوازی را نشان د اد ه ، د رجهت تأمین سرکرد کی پرولتری بکوشند وبه تهییج اقتصادی جهت اوحکومی یاجنبش وسیع توده های بپرد ازند . ●

پرتوان باد جنبش انقلابی خلق کُرد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کارگر
www.peykar.org

یک سند رسوا کننده ...

اخیراً نامه ای از جانب بازپرسان و قضات تحقیق سابق دادسرای انقلاب اسلامی طهران انتشار یافته است که آنکارا نقاب از چهره، مهره های اصلی "دادگاههای انقلاب" و دادستانی طهران بر میدارد و نشان میدهد که این دستگاه حکومتی که دستور تا مرقع بخون صدها نفر از انقلابیون پاک باخته آغشته است، دستگاهی کمتحتی دو نوجوان ۱۲ ساله و ۱۱ ساله بنامهای آذرکشت دارایی و سیدالله فیضی را اعدام کردند، دستگاهی که نمایندگی بی شرم کمونیستها همچون مأمورین تفتیش عقاید کلیساهای قرون وسطی بجانها میریزند، دستگاهی که صدها نفر دلیر بند در ارتش را گلوله میدهد و دستگاهی که احسن ناهید یکی از انقلابیون گردان دار و حالیکه مجروح بود و نمیتوانست بایستد در رازیکن بروی زمین اعدام کردند و هزاران نمونه دیگر، مهره های اصلی آن با روسه خواری جانیان و عمال اصلی رژیم فاشیستی و سرمایه داران زالوصفت را با گرفتن پول آزاد میکنند.

این نامه بوضوح نشان میدهد کسانی که سنگرمانه بر نیروهای انقلابی اتکا عمال امپریالیسم و صهیونیسم میکوبند چگونه خودشان عاملین واقعی امپریالیسم را باگرفتن پول آزاد میکنند. در سند آخر هم روسای کارآگهها در جریان بیداشدن دو عنصر ساواکی بنامهای نیک خلق و بهمان نحوی در رشت مشاور وزارت بازرگانی و دیگر پستهای مهم، پیش از پیش آنها را افشاء مینماید.

طبق گفته رضا صدر وزیر بازرگانی آقای آذری قمی از حمله کسانی است که با این دو عنصر کثیف ساواک رابطه نزدیک داشته است.

هوشنان: روسای رشوه خواری سران "دادگاههای" زمانی نر ملا میگردد که مجاهد اسیر محمد رضا سعادتی ماهها در زندان بسر میبرد، صدها نفر از انقلابیون در بی بهداشتی کامل در زندان ۲ هاسر میبرند. ما در زیر قسمتهائی از این نامه را درج میکنیم.

این کلیات مسائل بود. اما در رابطه با کودتای که بازپرسی در دادسرای انقلاب تهران که اعدام الدین بود و بحثوی غیر اسلامی تصفیه شدیم، تا چندیدان عنصر متم از همان کیپه انقلابی که جوب آرا درك کرده اید برهند. و میبینید که رهبندید، با پیشی باستحضار برسانید.

ما در دادسرای انقلاب مان و توانی و پست و مقامی نداشتیم تا بخطر اردست دادنش بیاری نداشته باشیم. از آنجا که فقط کزیر مسئولیت بود و آن هم شد نه روزی. ما میخواستیم وارژن خط علی و مشی ابوذر در برخورد با وراث معاویه باشیم و جلوی توصیه ها و قراردادن دوی مجرمان را بگیریم که بودیم و نوانداشتیم می - گرفتیم. درد ما این است که آقای آذری قمی ازسنگر دادستان انقلاب ضد سرمایه داری اسلامی سرمایه داران خونخوار را دعوت به برکنت و کار میکند و زمها در اسلام برای مالکیت حضوری نمیشناسد.

جوانان مسلمان ما بجهت مصالح فعلی جامعه ساکت ماندند و تا همیشه ساکت نخواهند ماند که هنوز هم اسلام عبدالرحمن بن عوف بر دهان و زرادوز شعار بدهد و اسلام بلال که خدا در شمار است خفه بماند. جوانان چگونه تحمل کنند که در مجلس خرگون حضرات کلمه "توحیدی" اکمونستی مانند و آنرا از ماده ۵ و نوحتی بعد از تصویب شدن آن ماده حذف کنند. آنهم صریحاً به این دلیل که کلمه توحیدی مصدق ضمنی مبارزه با موافق جامعه می باشد وارد.

مردم بعنوان پاکنوجدان اجتماعی خوب تشخیص میدهند. بهمین جهت وقتی القابیان اعدام میشود شاد میگردند و هنگامیکه خوش کیش و شیخ الاسلام بزاده از چنك اعدام فرار میکنند به اعتراض درمیآیند و حتی بلاکارده در خیابان غصب میمایند. مهم اینست که شخص اخیر زنای محصنه هم داشته است واعدامشده در حالیکه بهمین جرم دهها نفر آدم بی نام و نشان و بی دل و مدل اعدام شده اند.

براستی چرا بعد از اعدامهای انقلابی، شورای انقلاب مارا تصفیه میکند. آیا رشوه گرفته بودیم! آیا دزدهایی مانند پاسینی ها و جانی هایی مانند مهبدعصرجدید ها و پانیان فحشا مانند خنم شمس الملوك مصاحب و خانم جهانبانی را از زندان رهائی داده بودیم؟ آیا کار مداوم نمیکردیم که ما راتصفیه کردند یه میخواستند ائمه کفر را برهانند؟ اینپاداها نیست. روزنامه های قبل و بعد از ما رابخوانید، بخوبی گویای کارنامه دادگاه انقلاب قبل و بعد ازماست. آخرین بلای که دکتر محمد بهشتی بمنامیدگی ازطرف شورای انقلاب برای تصفیه دادسرای انقلاب از عناصری که خود سالها طعم زندان را چشیده بودند و در کوران مبارزات بوده اندبه دادسرا آمدند بعد از جلسات متعددی که حرفهای ما بگوش دکتر بهشتی از اطاق بیرون میرفت مسئول انتظامات زندان به آقای دکتر بهشتی گفت: ما ارکجا بدانیم این تصفیه توطئه ای نباشد برای فراری دادن آن دسته از جنایتکاران که کس و کاری دارند؟ اینك بعد از گذشت چند ماه از تصفیه ما نتیجه کار را می بینیم و حرف آن مرادر به ذهنمان می آید که چه رك گفتو چه درست حدس زده بود.

موضع تصفیه آقای بهشتی گفتند: شورای انقلاب تصمیم گرفته است که دادسرا را تصفیه کند. بیراوران اعتراض کردند: تصفیه برای چه منظور و با کدام عمل شرعی و عرفی؟ جواب صریحا این بود که: این تصمیم شورای انقلاب است وهرکس مخالفت کند مخالف خط امام است.

آری بیرحمیب مخالفت با امام بین پستی بود که بعد از چهارماه مقاومت ومبارزه راه را برما می بست.

چندشد که بعد از اعدام های انقلابی القابیان صهیونیست وحرم خون آشام و فاسد که اشك صهیونیسم و امپریالیسم را جاری ساخت بازپرسان راتصفیه کردند؟ و همپالکی های القابیان یعنی صهیونیستها پرونده های بند ویژه حی والیبت دانیال پور در زمان دادستانی آذر قمی آزاد شدند آیا داد و ثیوان صهیونیسم برای القابیان بهترین دلیل حقانیت اینگونه اعدامها نبود؟ چه شد که شیخ الاسلام زاده ها و خوش- کیش ها که حداقل بطور غیر مستقیم نسل وحشت (تولیدات) وطنرا به فساد کشیده بودند و از ائمه قطعی کفر بودند اعدام نشدند و مشمول عفو گردیدند اما افراد گمراه و بیچاره ای که اتهامشان فساد اخلاق است اعدام شدند و حال آنکه اینان قربانیان نظام اجتماعیی هستند که خوش- کیش ها و شیخ الاسلام زاده ها ایجاد کرده اند، جز اینست که نتیجه عمل گرو هیای فشار بود که مستقیم و غیر مستقیم و بطور فعال برای نجات آنان کار میکردند تا جلوی اعدام ها را بگیرند؟ چه خوب شما در مصاحبه تان حق مطلب را ادا کردید که باید با عاملان مبارزه کرد نه با معلول، آیا تصفیه ما جز به این جهت بود که وقتی نامه بآب وتابی می آمد که میهبد قضی مدرس جانی و رئیس سلاح خانه دادرسی ارتش مومن است و متدین است واقا زاده است وعالم زاده است گوش نمی- گردیم و فریب این اراجیف را نمیخوردیم؟ آیا تصفیه ما جز از این رو بود که می- خواستیم جلوی آزاد شدن منصور پاسینی دزد و خائن بهحدا وخلق را که هرکارگر شیشه بری او و دزدی هایش را میشناسد بگیریم و گویاحالا در خارج از کشور برعلیه انقلاب فعالیت میکند، یاایننکه وسایل آزادی سرهنك عضدی قاجار بازپرس کشتارگاه دادستانی ارتش فراهم شود.

ما علیه آزادکنندگان این جانیان و خائنین و توطئه کنندگان اعلام جرم میکنیم و از امام میخواهیم دستور دستگیری هادوی، آقای آذری قمی که دستور آزادی این جنایتکاران راامضاءنموده اند بدهند وهمینکی آگاه و متقی را فورا برای رسیدگی به پرونده های آزاد شدگان بفرستند و کلیه کسانی که دراین توطئه دست داشتند دستگیر شوند و دریك دادگاه علنی با حضور مادران شهدا وفرزندان بی پدر و تمام شکنجه دیدگان دوران پهلوی و کارگران استثمار شده و همه زحمتکشان محاکمه شوند و درمورد قضاوت خلق مسلمان قرار گیرند.

آنها که امروز تصمیم گیرنده هستند باید بدانند که بین ما و امپریالیسم جهان خوار دشمن قسم خورده همه محرومین جهان دریائی از خون است. خلق مسلمان ایران هرگز اجازه نخواهد داد که تصمیم گیرندگان از بالا بپائین این دریای خون را نادیده بگیرد و با هوامل امپریالیسم با مماشات رفتار کند تا دوباره میدان عمل پیدا کنند و در داخل وخارج ایران علیه انقلاب توطئه نمایند و درحالی که شهیدان در خون خویش خفته اند مجرمین دسته دسته فراری داده شوند. کجا منظور امام این بود که عفو وی شامل مال زنان ومردان ناآگاه که مرتکب فساد اخلاق بوده اند نشود، ولی شامل افرادی مانند مرتجب پرورش و مرتجب وجدی و وابستگان نظامی ایران در آمریکا و کار - گزاران سازمان سیاروروحانی حودفروخته ای مانند مساجرانی، و روشنفکرهای خائن و بدنامی که درهرگروه اندیش- مندان شامانه بوده اند یعنی احسان نراقی ایدئولوك نظام شاهنشاهی وخوش کیش ها و شیخ الاسلام زاده ها بشود؟ براساسی احسان نراقی راچه کسی از زندان نجات داد؟

شما فکر میکنید مردم در برخورد با این وقایع وچهراها تاچقدر، مایوس و بدبین خواهند شد؟ آیا این استراه ورسم حمایت از مستضعفین و سرکوبی سرکوب کنندگان مردم در سالهای سیاه و خونبار. آیا جوانان مسلمان این اعمال است که وحدت را خدشه دار می سازد؟ چطور میشود بین عاملین این اعمال و مخالفین آن وحدت ایجاد شود؟

این افراد کسانی هستند که حتی طعم یك شلاق ساواك راهم نچشیده اند وتان رنج و گرسنگی رانخورده اندتاجائی که امیدی، معاون لایتی ساواکی بزرك ایرانی را آزاد میکند تا جانیکه جلالی ساواکی خائن در دادگاه اعتراض میکند که: امیدی معاون لایتی را آزاد میکنید واما مرا محاکمه؟!!

کار دادسرای انقلاب که دادستان تهران آن برای سرمایه داران دل می سوزانند بجائی میرسد که در روزنامه اطلاعات پنجم شهریور ماه صفحه آخر نام تعدادی از مجرمین را مینویسد و از شاکیان دعوت میکند شکایات خود را ارائه نمایند و در میان اسامی نام صیمغلی بهیجا کارمند اداره سوم ساواك و رهبر عملیات بخش نام همان افراد نام ۲۱ نفر را نوشته است که آزادشده اند و باز نام صیمغلی بهنیا که دریلیست فوق نامش بود وجود دارد.

درد ما این است که چرا تصمیم گیرندگان از بالا به- پائین ما راکار گذاشتند. مشکل ما اینست که با کار گذاشتن ما نه تنها کاردادسرا بهتر نشد بلکه باعث رهیدن جانیان و خائنین شد، بنحوی که بعد از تصفیه ما، جانیان در زندان جشن گرفتند، زیرا تا ما بودیم کسی جرئت توصیه نداشت واگر توصیه ای بود مخفی و درسطح بالا تنها آقای هادوی توصیه ها پذیرفته میشد و وقتی مجرمین در آزاد میشدند ما می فهمیدیم که دهانمونه آن دزدپرونده ها موجود است که با امضای آقای هادوی مجرمین آزاد شده اند و لازم است که همینی به این پرونده ها رسیدگی کند وخلق ستمکشیده را در جریان بگذارد.

تعهد آریامهری ننگ دولت "انقلابی"

در طول سالهای خفقان ایران در چند سال اخیر و بخصوص در فقیه مهرماه ۱۳۵۷ در اوس خود یکی از سنگر- های مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم بود. اعتصابات مدارس را خاطر میاورید و بهمانیکه جوشند آتش آموزان برجسته چنین مبارزه را در سنگر قرار داشت و در خیابان های میهنمان علیه رژیم شاه و امپریالیسم فریاد می زدند رژیم شاه ۱۰ مبارزات نیروخشت بدل داشت و می - کوشید با هزاروبك بند حوالن را در رفند نظام بخشوص شاهنشاهی بکند. بیاد داریم کوشش رژیم را در

بسمه تعالی

اینجانب دانش آموز کلاس

بدینوسیله متعهد میشوم که در سال تحصیلی جاری کلیه مقررات دبیرستان را رعایت کرده موکوچکترین حرکتی برخلاف قسم یاد انقلاب بوجود نیاورم و نکنم و همچنین در سخنرانیها و توطئه و تحریك علیه اسلام و جمهوری اسلامی و مسئولین امور نزنم و پیرو گروکلی چنانچه عملی از من سرزند که در محیط آموزشی ایجاد تشنج و بی نظمی نماید اولیاء امور حق دارند بدون توقف نسبت به اخراج اینجانب اقدام نمایند.

تاریخ / /

نام و نام خانوادگی

امضاء:

امروز رئیس ازسرنگونی رژیم فاشیستی شاه وروزی کار آمد نمی توجه مجدد محترم ماجرا دوباره نگرانند ۲ تا کوشش در رجعت به ورنگیدد انتشار دانش آموزان از مسائل سیاسی واز این طریق اعمال سیاستهای جانشانه بصورتهای متفاوت مشاهده میشود. آقای رجائی کفیل وزارت آموزش وپرورش از سوئی فریاد برمی آورد "هیچ - کس حق تفتیش عقاید در مدارس را ندارد" وازسوی دیگری شرمانه میگوید "بحث آزاد در کلاس درس ممنوع است" کجا بگذشته ۸ مهر، در لیل حنین

رابطه با عضویت اجباری همه دانش آموزان در حزب رستاخیز ومقاومت جوانان ومبارزه شان را که حکومت را خرد رسانه و زنده ان را بحال خرید بد و به ننگ عضویت در رستاخیز تن در ندادند.

اخیراً در باره ای از مدیر آموزشگاه تهران نام دانش آموزان را محرمانه در نامه ای نمایند که خود نمونه ۱۰ مبارزه با سیستم آموزشی دولت جمهوری اسلامی است.

بسمه تعالی

دانش آموز کلاس

اینجانب

بدینوسیله متعهد میشوم که در سال تحصیلی جاری کلیه مقررات دبیرستان را رعایت کرده موکوچکترین حرکتی برخلاف قسم یاد انقلاب بوجود نیاورم و نکنم و همچنین در سخنرانیها و توطئه و تحریك علیه اسلام و جمهوری اسلامی و مسئولین امور نزنم و پیرو گروکلی چنانچه عملی از من سرزند که در محیط آموزشی ایجاد تشنج و بی نظمی نماید اولیاء امور حق دارند بدون توقف نسبت به اخراج اینجانب اقدام نمایند.

تاریخ / /

نام و نام خانوادگی

امضاء:

امروز رئیس ازسرنگونی رژیم فاشیستی شاه وروزی کار آمد نمی توجه مجدد محترم ماجرا دوباره نگرانند ۲ تا کوشش در رجعت به ورنگیدد انتشار دانش آموزان از مسائل سیاسی واز این طریق اعمال سیاستهای جانشانه بصورتهای متفاوت مشاهده میشود. آقای رجائی کفیل وزارت آموزش وپرورش از سوئی فریاد برمی آورد "هیچ - کس حق تفتیش عقاید در مدارس را ندارد" وازسوی دیگری شرمانه میگوید "بحث آزاد در کلاس درس ممنوع است" کجا بگذشته ۸ مهر، در لیل حنین

بقیه در صفحه ۴

مرگ بر رژیم ضد خلقی حاکم

پیکار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

یگانگی صیادان بندر انزلی ، مشتی بردهان ارتجاع

مردم زجردیده و زحمتکش بندر انزلی و بخصوص کارگران شیلات سالهااست که صنعتیاً استثمارو ستم سرمایه‌داران وابسته و زالوصفت را با پوست و استخوان خود لمس میکنند. دریا نامی کمبرای زحمتکشان این مرز و بوم زندگی بخش است از این مردم میگرفتند. زیرا امپریالیسم این دشمن عدار باد ستمهای ناپاک سرمایه‌داران وابسته طلای خاکستری ـ خاویار را بغارت میبرد. خاویار بند انزلی بسادگی حاصل نمیشود. خاویار بندر انزلی حاصل کوشش شبانه روزی کارگرانی است که تا مرز مرگ کار میکنند و خود حاصلی از آن نمیبرند. خاویار بندر انزلی یعنی منبعی از ثروت که چون نفت جز درد و رنج برای رحمیده ملت باقی نمانده و ندارد. زیرا که در دست ناپاک مرتجعین سرمایه داران وابسته محصور است. شرکت تعاونی شیلات نه تنهاخاویار بلکه اساساً دریا را جزو مایملک خود بحساب آورده و ماهیگیران این‌منطقه را از صید ماهی محروم کرده چرا که ایران نه برای ایرانی بلکه برای امپریالیستها است. ایران بهشت غارتگران امپریالیستی و جهنم زحمتکشان است. بدرد دل ماهیگیران بندر انزلی در سال ۵۷ یعنی زمانیکه رژیم منفور پهلوی حکومت میکرد گوش کنیم:

"پدران ما صیاد بودند ما صیادیم. منبع درآمد ما این دریا است. ما ماهیگیری بلدیم و کار دیگری نمیدانیم و کار دیگری هم در این شهر نیست. نه زمین برای کشاورزی داریم و نه کارخانه‌ای تأسیس‌شده که نان راحت توی نصیبمان شود. یك عضو ساده‌ء دولتی پس از دوسال از اول ماهها تورنجند از این شهر بیرون میرود و ما که در شبهای طوفانی بدریا میرویم و تاصبح میمانیم و با طوفان و دریا در نبرد میدهیم و از ظرف مأمورین دولتی در خطر، همچنان دست به دهان باقی میماندیم مزایانهای این دریا ما هستیم. مائیم که در دل شب تا نزدیکیهای آب شدن‌روی سرویس و در ارجنم مأمورین دام پهن میکنیم. هرکس که از مرکز برای رسیدگی بوضع ما می‌آید میرود پیش فرماندار. حال فرماندار خوب است فکر میکند که حال ما هم خوب است. باید بیایند در میان ما در جلساتی که راجع به ماهیگیران و صید تشکیل میدهند. میگویند که ما صید بی رویه میکنیم. اگر این دریا مال ما باشد و ما آزاد خطرمیکنیم است جنین کاری بکنیم. الآن مخرصیم و در خطر. بله ماهی سفیدی که تخم‌ریزی نکرده را هم صید میکنیم چون از فردای خود خبر نداریم ولی اگر آزاد باشیم بهتر از کسانیکه جلسه میکنند میدانیم که ماهی سفید تخم‌ریزی کند سال دیگر ماهیهای بیشتری برای صید داریم".

بعد از قیام ، بعد از روی کار آمدن دولت فعلی که کلمه" انقلابی "بی صمانمرین‌واژه برای آنست خلقهاایران‌برای دستیابی به حقوق حقه‌شان در ابتدا صبر کردند ولی حاصل چه شد؟ حاصل این شد که همان سرمایه داران ، همان مرتجعین و همان وابستگان به امپریالیسم خون زحمتکشان میهن ما را در شیشه کرده و مینوشند.

براستی در بندر انزلی چه گذشت؟ برای اینکه با علت بروز این کشتار وحشیانه آگاه شویم باید قدری شرائط زندگی ، مسائل ومشکلات مردم این بندر نظر افکنیم. بندر انزلی نزدیك صد هزار نفر جمعیت دارد. بندر انزلی شهری است که اقتصادش بندری بوده و مردم این دیار از راه کارهای محلی زندگی میکنند. تاسیساتها معمولاً برای مردم بندر فصلی بود که میتوانستند حداقل مایحتاج خود را بدست آورند. زیرا که مسافرین زیاد برای این بندر مبنع درآمد خوبی بود. با رسیدن فصل پائیز و کم شدن مسافران ، فصل ماهیگیری شروع میشود. خلاصه گفته باشیم مردم بندر انزلی دو منبع درآمد داشتند که عمده ترینش دریا بود. نانشان از آب گرفته میشود و بقول خودشان منبع درآمد ما این دریا است. اما اصال که مسافرین دریا کم بود تنهاماهها برای تأمین زندگی دریا بود. رژیم منفور پهلوی‌دریا این منبع زندگی را از مردم گرفته بود و به ماهیگیران لقب فاحاقصی میداد. بقول ماهیگیران این بندر: "حریصه" دام کوچك ... وتوهان و حریصه" دام بزرگ ... ۲ خوانده است. "با این خیال ماهیگیران اصال بکدصت غارتگران از منابع ملی ایران کوتاه شده است، برای صید ماهی و گذران زندگی کوشش کردند، لیکن این بار نه با زاندارمهای رژیم ساقط شده شاه بلکه با کارد محافظ شیلات که اعضاء کمیته های طهران هستند و توسط کمیته" مرکزی بار دوم است تحت وزیری برای حفظ شیلات به انزلی اعزام شده اند، روبرو شدند. ماهیگیران عمور و زحمتکش بندر انزلی سالها پیش گفته بودند که: "قایقم را نگیرند و مرا زنده از این کانال بگذرانند و ببرند؟ ببرند؟ ... غیر ممکن است حقایق که مال خودم است آتشش میزنم یا قرار میکنم یا میمیرم ولی تسلیم کسی که بخواهد مرا به زندان ببرد نمیشوم".

علت کشتار روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر در بندر انزلی در همین جا نهفته است: "از سه چهارماه پیش تا کنون بین صیادان شرکتهای تعاونی با شیلات اختلافاتی بروز کرده بود و مقامات مسئول استان برای رفع مشکلات جلسات متعددی تشکیل دادند". (انقلاب اسلامی چهارشنبه ۲ آبان)

اگر رژیم ساقط شده" شاه به صیادان با جلوگیری از صید ماهی به آنها القاب شورشگر، خائن و... میداد مرتجعین کنونی دهان یاوه گویشان را باز کرده و آنچه را که رژیم منفور سرنگون شده" شاه برعلیه صیادان و مردم بندر انزلی بیگفت دوباره به زبان می‌آورند. آنها دروغ میگویند و حقایق را وارونه جلوه میدهند. اما حقایق از درون گفته های ضد و نقیض‌خودشان بیرون میزند: "طبق توافقی که بین مسئولین امور و ماهیگیران آزاد در سمینار صیادان برقرار شد، تصمیم گرفته شده است .... حتی خود شیلات هم نمیبایستی به صید ماهی اقدام میکرد ولی ماهیگیران آزاد متوجه میشوند برخلاف قرار قبلی ، شیلات اقدام به صید کرده و در دریا توگسترده. ماهیگیران خشمگین به دریا میروند و تور شیلات را پاره میکنند. در این هنگام کارد شیلات مداخله ... و برخوردی شدید روی میدهد. ..." (همانجا)

اما ببینیم که چگونه روزی نامه" "جمهوری اسلامی "این مدافع سرسخت ارتجاع حقایق را وارونه جلوه میدهد: "وقتی که استاندار و رئیس شهربانی گیلان برای تحقق خواستهای آنها به بندر انزلی میروند ، با حمله" حساب‌شده و نقشه‌ا" از پیش‌تدوین شده ضد انقلاب روبرو میگردند ... جریکهای فدائی خلق بطور آشکار با شعارهائی علیه اسلام و جمهوری اسلامی و امام خمینی مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محاصره کرده به آتش میکشند" (۲۵ مهر ۵۸) رادیو تلویزیون این بنگاه دروغ پردازی نیز جیی ها و فدائیها رامقصراصلی قلمداد میکند. اما در خروس این بار از زیرعبای زنده‌ء ایشان جنین بیرون میزند که: "فرماندار بندرانزلی در مورد بازداشت گروهی از صیادان گفت این عده بهنگامیکه شهر دست خودش نا آرامیها بود توسط پاسداران در بین راهها بازداشت شده‌اند "یعنی اساساً ریشه" درگیریهابندر انزلی اولاً در تجاوزات شرکت تعاونی شیلات و دوماً در سرکوبی زحمتکشان و کارگران این بندر نهفته است. پاسداران ضد انقلاب قبل از وقوع حادثه نه با جیی ها بلکه با مردم روبرو بودند وآنها را دستگیر و زندانی میکردند. زیرا که مردم وکارگران بندر انزلی خواهان آزادی صید بودند و میخواستند دست‌غارتگران شیلات از دریا این ضیغ‌هستی بخش‌کوتاه شود و بیهوده نمیگوئیم که بعد از کشتار وحشیانه" مردم بندر انزلی برای جلوگیری از نارضائی مردم باصطلاح جیی هارا تایید نکردند و تازه قدرت آن راهم‌دارند بلکه: "حجت الاسلام احسان بخش نماینده" امام در رشت گفت براساس فرمان امام صیدبرای صیادان آزاد اعلام شد"

(جمهوری اسلامی ۳۰ مهر ۵۸)

می بینیم که ریشه" کشتار بندر انزلی همان چیزی است که کشتار خلق عرب، خلق کرد و... رابوجود آورد. همان چیزی است که کارگران کارخانه های مختلف‌را به سرکوب میانگیزد و آن چیزی نیست جز ادامه" استثمار بیرحمانه" زحمتکشان و حمایت رژیم حاکم از سرمایه داران. حه کسانی در مارت صیادان بندر انزلی برعلیه تجاوزات شیلات به کشتار مردم دست زدند؟ مرتجعین جنین استدلال میکنند: "گفته شد که حوادث این بندر نمونه هائی از سوی توطئه هائی است که قرار است بنوبت توسط سرویسهای مخفی "سیا" وجند سازمان سیاسی دیگر صورت گیرد". آنهاجنین به استدلال لالانشان ادامه میدهند و ابو شریف در مقابل سؤال "جمهوری اسلامی "که جرا پاسداران بسوی مردم شلیك کردند میگوید: "... در اینجا تعدادی از مردم بعنوان نماینده وارد شدند وتکلیف تعیین میکردند. ماگوش نمیکردیم .... دیدیم ما فقط در سالن مانده‌ایم و مردم داخل میشوند و مهمات هم در راهرو بود .... ناچار شدیم به تیر اندازی هوائی متوسل شویم و بعد از نیز اندازی هوائی مردم متفرق شدند پشت دیوار بلوار سنگر گرفتند و ما را سنگ باران کردند" (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر) مردم بی سلاح تنها با سنگ جواب تیرهای "هوائی" آنهارا میدادند. تیرهائی که درست بعلت "هوائی" بودنشان کشته های زیادی بجای گذاشتند. جواب است ادامه" سخنان ابوشریف را بخوانیم "البته برای نرم‌ماندن مردم بسوی مردم میگرفتیم که وقتی مردم میدیدند بکوچه‌ها فرار میگردند و ما تیر اندازی هوائی میکردیم که خیال کنند ما بطرفشان تیر اندازی کردیم و حتی آنهاکه مجروح‌شده بودند توسط تیر بار جیپها بود ..." (همانجا) بیان این مرتجع حاطره های روزهائی را در ذهنمان زنده میکند که ازهاری این سگ امپریالیسم بعد از قتل عام مردم زوزه کشان میگفت که ما نمودیم خودشان بودند. از ابوشریف سؤال میشود مردم چه مقدار بودند؟ "خیلی در حدود سه هزار نفر بودند و همه" خیابان را پر کرده بودند" (همانجا)

آری سیل خروشان مردم عاصی بخیابانها سرازیر میشود ، شعارهای حق طلبانه میدهند، خواهان کوتاه کردن دستان وابسته به امپریالیسم هستند ، خواهان بدست گرفتن سرنوشت خودشان اند تا خود را از فقر و تنگدستی نجات دهند. اما با سوت مقدات پاسداران ضد انقلاب روبرو شدند و در این ماجرا ۱۳ نفر کشته و ۹۰ نفر زخمی گردیدند. مردم بندر انزلی صلح ندادند تنهاخاطر آن که تاخیر خون شهدای خود را گرفته باشند. روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر بندر انزلی بار دیگر روز های تهاجم آتش قانونیستی شاه و همکاری مردم با هم را بیاد می آورد. مردم برای کمك برخیهای خود از همه طرف کمك میرساند ند. انبوهی از پنبه ، ملحفه و وسائل کمك اولیه در بیمارستان دکتر مصدق انزلی انباشته شده بود.

در هرحال مردم بندر انزلی سپاه پاسداران را بدرستی شناخته‌اند و نمیخواهند وجود آنهارادر شهر تحمل کنند و این نشانه" کینه و نفرت از آنها است. جنایت سپاه پاسداران آن جنان فجیع و سترگ است که شهر را از سپاه پاسداران تخلیه میکند: حال که سپاه پاسداران بی جهره شده است، مدنی خائن و قلدر منش باجهره" باصطلاح مدافع صیادان به آنجا میرود تا در فریب مردم و استحکام نیروهای دریائی فعالیت کند. اما بازهم بیشرمانه مردم را مقصر اصلی قلمداد می کند. در هر حال کماکان بندر انزلی بر التهاب است. با اینکه رژیم مرتجع حاکم عذب تشبیثی کرده ولی برنامه برای تهاجم وسیعتر را دارد. اینبوریت در مصاحبه اش با جمهوری اسلامی اهداف سپاه پاسداران را به این نحو توضیح میدهد: "ما درصدد نهستیم که گفته" این عوامل ضد انقلاب که اعلب آنها برای ما و مرکز و محل تجمع ما شناخته شده اند در یك فرصت مناسب تمام اینها را دستگیر خواهیم کرد و تحویل دادگاه انقلاب خواهیم داد ... قطعاً مجبور هستیم که یك مقدار از شدت عمل خود داری کنیم" (۳۰ مهر) ابو شریف. همانگاتش فکر میکنند که مردم ما فقط بر علیه شاه میتوانستند خوب مبارزه کنند. خوب همستگی داشته باشند و خوب ارتجاع را عاصی کنند و بالاخره با قدرت خود سرنگونش سازند.

هم اکنون بیش از یك هفته از کشتار بندر انزلی نمیگذرد که زحمتکشان و صیادان ترکمن ، شهسوار رشت ، بندر حسن کیاده و ... به پشتیبانی از صیادان انزلی و محکوم کردن کشتار وحشیانه" ارتجاع تظاهرات میکنند و درحیر این تظاهراتهاباارهم زد و خوردهائی رخ داد. اما تمام اینها نشانه" همستگی مبارزه" جویانه" مردم میباشد. آری اگرچه ارتجاع تا به دندان مسلح از کشتار خلق ابائی ندارد ،لیکن قدرت توده" مردم و یگانگی آنهااز هر سلاحی برنده تر است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ء کارگر
www.peykar.org

اخبار و.... مشغول بکار شده است .

نامبرده کسی است که سابقاً مسئولیت امور بنی وحج واوقاف آمل رابعهده داشت ودلیل روشن این رشوه ای که ازنوزاشرح دریافت کرده بود وورا خلع لباس کرده بودند . تعجبی هم ندارد . در حکومت سرمایه داران همیشه دزد از دزد رأس امور قرارمی گیرند . در حکومت جمهوری اسلامی نیز ، چون بگرز زیبهای سرمایه داری ، محیط برای پرورش رشوه خواران مناسب است تا در رپناه اسلام برانبوه کیسه های زر خود بیفزایند .

اراک ـ در روزسوم مهرماه در پیلمه های بیکار شهر اراک در استادان اری اجتماع کرده وخواهان مذاکره با استادان اری شوند . طبق معمول استادان اراز مذاکره با آنها سرباز زده و طی پس از اصرار فراوان ظاهر می شود ومی گوید " برای چی می آئید واینقدر مزاحمچی شوید و شلوغ می کنید اینهمه کارهست بروید وانجام دهید مثلاً بروید سیگارفروشید " یکی از پیلمه های بیکار مطرح می کند که ماخواهان استفاده ازتخصصمان هستیم . استاد ارد رجواب می گوید " ازدست من کاری برنمی آید " . دیلمه ها که وضع رابد بین منوال می بینند درمحل استادان اری متحصن می شوند . شب ساعت ۱۱ ـ ۱۲ رئیس شهربانی وچند افسر دیگر آمده ومیخواستند به قائله خاتمه دهند . یکی از افسران قرآن میخواند ومیگفت کمکوباوضع ماهم شل است وهمگی درسحران انقلابی ایم . سیگاری می گوید پس شما حقوقتان راسرپرت بدهید بما . افسرسکوت کرده ومی رود . سرهنگ خلج رئیس شهربانی میگوید " اگرمن دستورد هند همگی تان رابسوی من رسم " . دیلمه ای میگوید در انقلاب بعد درپشتان گرخواهد بود ومقصد می شوید . اودرجواب می گوید " کاملاً حق باشماست وماتعهد اینهمه کثیم که دختی بزرگ ماهم همین است " . درخاتمه وقتی ازنشستن میگیرد نتیجه ای حاصل نمیشود استاندار حیله" جدید بیکار برده ودر پیلمه های تنی راازنیخه جدا کرده ومی گوید همه" شمافرد اسرکارمیروید . ساعت یك بعد ازظهر بیائید جلوی کمیته وبقیه" دیلمه هاکه تخصص دارند به جهاد سازندگی سپرده میشوند تادرکارروزاعت شرکت کنند . فردا ساعت یك همگی دیلمه هابکمیته" اراک مراجعه می کنند ولی باتعهد بدیاسد اراز بورو میشوند وبعد ازآن به وزارت کارمراجعه می کنند کمدر آنجاهم نتیجه ای نمیگیرند . قراربعد بتهران سرای ایجاد شورای دیلمه های بیکارشهراراک می باشد .

سنندج ـ در طی مدتی که ازگشایش مدارس می گذرد دانش آموزان ، بیرسانتهای هفت اسفند ورازی وجندمدرسه" راهنمائی هرروزتظاهرات باشکوهی درشهربرپامی کنند که گاهاً به رگیری پاسداران منجرمی شود . خواستهای دانش آموزان عبارت است از :

۱ ـ اخراج پاسداران ازشهر
۲ ـ تشکیل شورای دانش آموزی
۳ ـ بازگشت معلمینی که بعلت اختناق و فشارکار خود راهاکرده اند

حزب توده و.... موقتاً تداو می ندارد

" فراموش " می کند . " رنجبران " نیزاز استفاده از تئوری ضد انقلابی " سه جهان " میکوشند تاخطر امپریالیسم آمریکارا در ایران نفی کنند ودر هن توده ها رافقط متوجه" سوسیال امپریالیسم روس کرد انند . " اوضاع فعلی ایران باسعد ازانقلاب تغییراساسی کرده است ، فعلاً ازانقلاب ازمیان رفته وامپریالیسم نمرکزحمله می بایستی روی آمریکا می بود زیرا عنوان حامی وپشتیبان اصلی رژیمهای ارباری می کرد ، درحالی که طلعه ای نخبود ه است بلکه درست خلاف ازمیدان درفرض قبیش ، وضع بهتری بدست آورده و بخاطر اینکه درسطح جهانی هم آمریکا هرروز بیشتر امپریالیسم شوروی عقب می نشیند ، درنتیجه ازمیان رفته است که" ترازویه سود شوروی چربیده است " (رنجبر ۷ شهریور ۵۸) . ماقصد برخورد همه جانبه به ۷ عائلات فوق ، که معلوم ازنظرات عای فراوان است ، نداریم ودراینجافقط به یانقطه که همانا " کفه" ترازوی سود شوروی چربیده است " می پردازیم . حال سئوال می کنیم : آیاانگوی رابرای ازشخص بعد" خلقهای ماکمالان امپریالیسم آمریکانیست ؟ آیاتمام قرارداد های اقتصادی ـ نظامی ـ فرهنگی ، که رژیم فاشیستی شاه با امپریالیسم آمریکابسته بود ، درحال احیاء وترمیم شدن نیستند ؟ آیا " رنجبران " یك قلم ازآرباء ۲ میلیارد دلار بابت خرید اسلحه ، پس ازجریانات کرد ستان نشنیده اند ؟ آیاورود ۲۵۰ تن مستشارجدید آمریکائی به ایران رانمیدانند ؟ پس چگونه است که ادعامی کنند شوروی دشمن عمده" خلق های ایران حساب می آید ؟ بدیه ماایدن ادعا فقط درجهت رجواب تحکیم منافع امپریالیسم آمریکا

سخنان خمینی ، دفاع از سرمایه داران

" اگرد راین محیط یك انفجارحاصل بشود بگوئه من نه شماونه هیچکس ، نه روحانیت ونه اسلام نمیتوا ـ ند جلویش رابگیرد . انفجاراگرد رزمان طاغوت حاصل می شد ماهای توانستیم بانصیحت ، بامعظه با امورمهارش کنیم . اماانفجاراگرد رمتن اسلام حاصل بشود مردم بأیأس ازجمهوری اسلامی منفجرمیشوند ـ دیگرقابل مهارنیست . این شوتنمند ان بدهند این مطلب راکه اگرخد ای ناخواسته یك توده یك انفجاری که نشود مهارش کرد دریك ملتی پیدا شود همه" این سرزنگان همه" این شوتمند ان اینهاشوخنك خواهند سوخت . "

آیت الله خمینی به سرمایه داران نصیحت می کند که کمی دست ازمادهغنان بردارند تامادا" انفجار (بخوان جنبش توده های زحمتکش) بوجود آید که دیگرنه اسلام نه هیچکس به مهارکردن آن قادر این است رسالت فقیه زمان ؟ نجات شوتمند ان از آتش خشم توده های زحمتکش .

جلاد خلق رشوه میگیرد

صادق خلخالی ، دادگاه انقلاب اسلامی ، مهاباد ، ۴۰۰ ضربه شلاق را ، ۵ میلیون ریال مصالحه کرد * برای اینکه متهم طعم شلاق را چشد دستور داده شد برای خالی نبودن عریضه فقط ۵۰ ضربه شلاق به او زده شود تا برای همیشه اثرا خاطر بسپارد .

اینست نمونه" " عدالت اسلامی " . " عدالتی " که شامل حال خود فروختگان رژیم صفوی میشود . " عدالتی " که رشوه خواری را رسمیت می بخشد . درست در زمانی میکفد رشهرستانها سته" مهاباد سینه " آزاد بخواهان راگلوله می بندند ، دسته دسته انقلابیون را به حوضچه" آتش میسپارند .

درست درشرایطی که مردم بحد به ستوه آمده ایران خواهان سرکوبی عناصرمردم وساواك وعنصرنهان توطئه های آنها هستند ، حاکم نرم ، صادق خلخالی ، تنکسته کرماوانها را ازمحازات معاف میدارد !.

برای توجیه عمل خود تبلیغ میکنند کمکوباوجود رباقتی را بحساب مستضعفان واریز کرد ند کجای دنیا بده ند ماست که رشوه خواران ، رشوه دراینطریق زحمتکشان بازپرسند ؟ اکنون کمصاررات خلخالی روزبروزاوج بیشتری میگیرد ، مرتجعان حاره رادراین می بینند که ازوجود عوامل کثیف ساواك نیزبرای سرکوبی خلق بیشتر ازپیش استفاده کنند . بدین جهت باآزادکد اشتن عناصرد" بالای ساواك ، بخصوص جلادان ، امروز شکنجه کرمهاباد ، می کوشند به شکارانقلابیون بپردازند . مسلماً ازپیش کرد ن مرتاجعان ازکد نته شان بر علیه رژیم شاه ، دارای پرونده های فطوری در ساواك میباشند وازد یدمرتجعان کورد ن وشخص جلادی چون خلخالی چه بهتر که از " تجربیات " مزد وران استفاده کرد ه وبارجوع به اسناد ساواك پرونده ها ، بشناسا ـ ئی ودستگیری فعالین جنبش خلق کرد ، اقد اهنمود .

در این رابطه است کهشکنجه کرساواك مهاباد بازد ید بادستگاه حاکمه" کیونی ، ازمجازاتهای سالمه د می برد تاآزاد اند بخدمت در اگاه " انقلاب اسلامی " دست اندرکاران سرکوب جنبشهای حق طلبانه گرفته شود . وشکارمارین بپردازد . مبارزینی که در راه خلق حاضرند بجان خود ، وارحلاد ان " د ا ـ گاه انقلاب اسلامی " وشکنجه گران ساواك وامعهای به دار اه نمید هند .

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوامی دهد

کی دهد عرض فقیرش راجواب ای رنجبر
هرچه بنویسند حکام اندرین محضر روست
کس نخواهد خواستن زیرا تحت سیلی رنجبر

وصف نشاند اند ین آن صورت میگیرد تاد ربناء آن خلقهای بیهمتا را سرد رکمرکرد ه وامپریالیسم آمریکا را زحمله" خلق مدون دارد .

بنظرمارسیزیونیستهای " رد ی " و " رنجبری " رابا حقایق کاری نیست . حرکات وپاسخهای آنها درجهاد رجوب سیاسات درکرد رمتن امپریالیستی آمریکاتوریس می گنجد وبیکی می کوشد نقش شوروی را در ایران بسود منافع خلقهان نشان د هد وبگوی بر آن اسمه که ازسرنگونی قطعه ی امپریالیسم آمریکاوعمال د اخلی اش خلوکیری بعمل آورد .

می بینیم که طبقه" کارگروزحمتکشان وطن مارا د ر ضمان رنگارنگ وجاسوسان روسی و چینی ـ آمریکائی محا ـ صره نموده اند . یاباید باعدم مبارزه بااین دشمنان د اخلی ، خلوکیری بعمل آورد .

یا باید باعدم مبارزه بااین دشمنان ، ظلم همه جانگیرنمایند . " اگرماميخواهيم سوسيا ـ لیست باقی بمانیم ، موظفیم که هرچه عمیق ترمیان توده های حقیقی بروییم ، این است معنای کامل و مفهوم کامل مبارزه علیه اپورتونیسم . ازطریق افشا ـ این واقعیت که اپورتونیستها و سوسیال شونیستها د رحقیقت به منافع توده ها خیانت کرد ه آرامیرو ـ شند واینکه آنها ازامتیازات موقت اقتیتی ازکارگران د فاع می کنند ، واینکه آنها ناقل عقاید ونفوذ بورژوائی هستند واینکه آنها واقعاً متحد بین وعمال بورژوازی اند" (لنین ـ امپریالیسم و انشعاب در د موسیالیسم) .

تبلیغ این گفته" ها ، اهدائه" لنین وعمل بد ان هرگونه ـ سیمه اوپرا ، درراه پرپیچ وخم مبارزات کمونیستها وانقلابیون راستین ، درهم خواهد شکست .

نامه ای.....

آوری رسد . بعد از ظهرآروزنیزدر رکوستان شهرد ست به تظاهرات ود ان شعاری زنند که بایورش افراد کمیته و پاسدا ـ ران (بالباس شخصی) تظاهرکنندگان متفرق میشو ـ ند ودر رگیری چند بین زخمی به بارمی آورد .

یکشنبه نیزتدامی قریب ۵۰۰ نفرد رآموزش وپرورش جمع شده بود ند که کارمیخواستند . آنها ازد یپلمه های بیکاربود ند . تعد اد ی ازد انش آموزان هم به آنها پیوستند . جمعیت رفته رفته به دوهزارنفر می رسید . شعار " گرچی مطلبهاست ، راه گرچی راه ماست " ازد رون جمعیت جوش زد . پاسد اران کمیته برابرمزد ماحقوق میگیرند دراینجاچه می کنند ؟ آنهاهیچ کارمفیدی برای مملکت ما انجام نمیدهند جز اینکه مردم را بیدهند . مسئولین تواسرمه این رد دهاً سرکرد ه نمیری میگویند ولی سرینج تومان حقوق بیکی سمه امروزی ما را قطع میکنند . تازه میخواهند ما را ازشر اخراج کنند . ماازاین نیروکاه میرون خواهیم رفت و ازاین تاریخ بعد هم شناسامه ای غیرازشناسامه" خود مان شرکت نخواهیم د اد . دیگرزمان شاه گذشت کهمارا باساواك وزاند ارمری تهدید می کرد ند . ماد رابنجاباکارخود مان اد امخواهیم د اد و ازاء کاری که اجاهید هیچزد میخواهیم .

پیش بسوی وحدت مارکسیست ـ لنینیستها
ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

شوراهای

شرکت توده ها مرد مرد رسو-
نوشت خویش است ، ولی هرگونه صدای حق-
طلبانه و اظهار نظر در مورد شورا را که "ضد انقلابی"
رد ه و تشکیل شورا را "صلاح" ندانسته و آن را خصوص
در واحد های تولید و صنعتی به مثابه "زمزمی در راه
گردش چرخهای اقتصاد قلمداد میکرد ، ولی که
شوراهای واقعی در فعالی را رسمند ح ، ترکس صحرا
و . . . یکانگئود الهاجانگ وحق کشید و اعضای فعال
آنرا به حوخه" آتش سپرد ، ولی که کینهٔ طبقاتی
خود را نسبت به توده ها و خواستهای برحق آنها
در رابطه با اعمال حاکمیت توده ای ، به وضوح در چند
ماهه اخیر نشان داد ، اینانیه یکباره آب الله طالقانی
تشکیل شورا معرفی کرده و فرمان انتخابات شوراهای
روستا خیزی را صادر می کند . رژیم سرمایه داران وا-
بسته از آحائیکه از هر حرکت محقانهٔ توده ای زوال
قدرت رجعی قدرت خود را مشاهده می کند ، پس از فشار-
هائی که مرد م ایران ، بدنبال کفتار آیت الله طالقانی
مبنی بر تشکیل شوراها ، بروی وارد آورد ند ، چاره را
در آن می بیند که با براه انداختن انتخاباتی در روشین
شبه شورائی مسخ شده رایه توده ها تحمیل کند .
با نگاهی کذرا به اصول شورا و شیوهٔ انتخابات بخوبی
می بینیم که شوراهای فرمایشی کنونی نه بعنوان ارکان
قانونیت انکراد ارد ، توده ها در قانونگذاری و در ارای
قدرت تصمیمگیری و اجرائی است ، بلکه کارکتاتوری
از شوراها و ممرکز جمع افراد می باشد که نمونه شاخرا
در مجلس "خبرگان" فرمایشی به وقوعی یا بیم .
از همان اوان تصویب قانون شوراها بخوبی معلوم بود
که بدنبال انتخاباتی از پیش ساخته و پرداخته ،
نه تنها نمایندگان واقعی مرد م به شوراها می نیست
بلکه نتیجهٔ "آن سپردن کنترل همهٔ سنگاهها و
نهاد های مملکت بدست افراد حزب معلوم الحال
خواهد بود . مادهٔ ششم قانون شوراها که او براین
امر است . زیرا از جمله" شرائط انتخاب شوندگان
"اعلام وفاداری به جمهوری اسلامی" و "انتشار
به حسن شهرت و داشتن سوابق فعالیتهای اجتما-
عی" می باشد . در واقع شرط "وفاداری به جمهوری
اسلامی" یکی از طرق در بست جلب کردن افرادی از آن
گونه "وفاداران" است که امروز در مجلس "خبرگان"
گرد آمده اند و "انتشار به حسن شهرت و سابقهٔ
فعالیتهای اجتماعی" هم چیزی نیست جز این که
نمایندگان باید از افراد دارای باشند که در چهارچوب
سازمانهای اسلامی فعالیت داشته و به زبان دیگر
در ارای ایدئولوژی اسلامی باشند . البته اکثر هم
همچونه فعالیتی نداشته اند فقط کافی است بعون
آقای بهشتی ، امروز نیز چون که شبه به رژیم حاکم
وقت "وفادار" باشند . قدرتمند آن حاکم چنین شد
باشد و از ایزی چون انحصار طلبان را در رأس امور شهرها
قرار دهند و برای اینکار مردم را نیز به بازی می گیرند و
به کارضد وطنها و آدمی کشاند تا به کسانی رأی
به دهند که قبلاً انتصاب شده اند و حدود اختیارات
و وظایف آنها نیز تعیین شده است . ماده ۴۲
"وظایف و اختیارات شوراهای شهر طبق قانون-
نامه ای خواهد بود که براساس قانون شوراها که توسط
وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد
رسید" . حال توده های فریب خورده اکراز این
آئین نامه وحدود و نفوذ آن اطلاعی ندارند این دیگر
برای انحصار طلبان اهمیتی ندارد . حد آنها اصولاً
نمیخواهند آنها را در رسونتشنتان بحالت به هنسد
ظاهر آنها از اصول "امرهم شوری بینهم" و "شا-
ورهم فی الامر" حرکت می کنند وبوی وکرنای تبلیغاتی
را براه می اندازند که کویا به خواست توده ها هستی
بر تشکل شوراها پاسخ مثبت داده اند . اما کیست
که ندانند همین اصول نیز سدی در مقابل قدرت توده-
ها در تصمیمگیری و تانونگذاری است ، واین شوراهـا
را فقط به ارکانهای صرف مشورتی ، آنهم تا حد ودی
که به منافع حاکمان حد به لطمه ای وارد نسازد ، تبد-
یل می کند . مشورت با توده ها هرگز نمی تواند
به جای حاکمیت توده ای بنشیند . بخصوص اینکه
تصویب قانون ولایت فقیه خود در رتضاد آشکار با حا-
کمیت توده ای بوده و نمیتوان هرد و را بمعنای واقعی
در کنار هم اعمال نمود . قدرتمند ان کشوئی را سعی بر
این است تا با یک زمینه سنتی "شرعی" ازتلفیق شورا و
ولایت فقیه معجونی راه خورد توده ها بدهند که از
طرفی بقبولانند که شرکت آنها در رسونتشنتان سا-
مرگزاری انتخابات "تحقق" یافته و آسوده بگرخاطر
روحانیت اشرافی را آسوده کرد اند که تصمیم با شما
است وتوده ها فقط نقش مشاورد رامور را بازی خواهند
کرد وبه عبارت دیگر های همچونه نگرانی نیست ! !
سخنان آقای بازرگان در رابطه آنها را از شورا خوبی عیان
می سازد وقیل وقال تبلیغاتی آنها راصتی براینکه امور
بدست مرد مپسپرده میشود ، رسوائی نماید . "اینها
د ستوربه پیغمبر اداده میشود تا شور همگی الامر د رامر
حرباً اعلامهای از طرف طرفداران آزادی از ستم
طبقاتی ، مورد د و نفر از کردن کلفتهای ماشین
سازی اراک پخش شده که ما ذیلاً ضمنهائی از آن
را نقل میکنیم :

"عبد الرضا رئوف - نامبرده کار خود را از شرک
نفت آغاز میکند و بدلائل مسائل جنسی همیشه
مورد تعقیب بوده و از شهری بشهر دیگر متواری
میشده است . چندین بار نیز به مکه رفته و همیشه
پس از مراجعتش بازار خرید وفروش ضبط صوت
را د یو و غیره در منزل ایشان رونق بسزائی داشته
است . یك بارهم بخاطر قاچاق تش ماه در زندان
کرمانشاه حبس میشود که امروزه این دوران را دوره
زندانی سیاسی قلمداد میکند . در این میان از
شرکت نفت اخراج ودر سال ۱۳۵۰ به اراك آمده و
بعنوان دبیر در مرکز آموزش بصورت روز مزد استخدام
میگردد . . . . در سال ۵۶ قرار داد حق التدریس
نامبرده صدق میگردد ولی بعلت هزار چهره بودنش
هایجوئی او را بکارخانه آورده تا بتواند در اعتصا-
بات خلل وارد نماید که موفق نمیشود . بعد از
قیام او نیز به استخدام سعی کارخانه در آمده و
وارد امور امورات دستگاه !! اینها ، همین مردم که
حتی مرد م بصعیفی هم هستند ، مرد م بهمی هم هستند
اینها مشاوره کن وپشت سرش ایرد ستوری آید
(فی اذا اعطمت توکل علی الله) یعنی مشورت باید
بکنی ولی تصمیمگیری با توست وقتی تصمیم گرفتی ، دیگر
بی دغدغه وبی تردید بروبه حلوتوکل کن به خد اکه
کاری باعقل و رأیت وحسن نیت خود ت وباشورت مرد م
صورت گرفته وبه تصمیم نهائی قاطعانه متنهی شده" .
حال باد رنظر گرفتن این سخنان "پرمغز" وباآگاهی
برقانون ولایت فقیه ، که همهٔ تصمیمگیریها را به مرجع
تقلید وفقیه می سپارد ، روشن میشود که این "تو" ی
آقای بازرگان کیست وتصمیم به چه کسی است ومشورت
به چه مفهومی است . باضافهٔ اینکه آقای بازرگان با
صراحت بشرمانه ای میگوید که "مرد م بهمه وصعیفی
هستند" که میتوان "بی دغدغه" خاطر تصمیمات ضد
خلقی را به اجرا در آورد . این است حکومت شورائی
که قدرتمندان حاکم بشبه خواب ماشده وفرمانش
را صادر می کنند . این است آن تصویر مسخی از شوراکه
کوشش میشود به توده ها تحمیل شود تا از این طریق
نیات پلید خود را برآورده سازند . البته جزایی هم
انتظاری نیست . همانکونه که مجلس "خبرگان" کله ای
به جای مجلس مؤسسان واقعی نشانده اند سیاست
جنین شوراهائی ، که در واقع همچونه اختیاری ام هم
ندارند به جای ارکان واقعی حاکمیت توده ها نشانده
شود . ولی آقایان مرتجع آنطور که شما تصویر کنید
بامرد می نفهم و ضعیف هم سروکار ندارید . کویا
تظاهرات وراهپیمائیهائی راکه مرد م شهرهای ایران
در طول برگزاری انتخابات شوراهای شهر برپا نمودند
ند یده اید . میگویند همچنگی کوترازآنکسی نیست
که خورد ابه کوری می زند . ومنافع طبقاتیتان حکم
می کند که کورباشید . شاید این شعارهای مردم
مبنا را "احلال شوراهای روستاخیزی" ، "شوراهای
شهرهای مستکبران" و . . . نشنیده اید . میگویند
همچنگی کوترازآنکسی نیست که خود رابه کوری میزند .
ومنافع طبقاتیتان حکمی کند که کورباشید . کویا نمی -
دانید که مرد م در لاوراین شهرطی قطعنامه ای در
افشاء و معرفی چهره های فعال رژیم که شبه وفرصت
طلبان مرتجع و سرمایه د ارخواستار برکناری فرماند ار
مبنا ، به علت فعال بودن در رحزب رستاخیز نند اند
ونامبرد می بود ، ترکیب شورا را رسوا نمود ند . بیاد آورید
که مرد م تهران زاهد ان انتخابات فلاحیتان را تحریم
کرد ه وحتی د ربی مبارزه علیه شوراهای فرمایشی شما
کشته وزخمی هم داد ند . فراموش نکنید که روستائیا
اطراف خشنیرلوالش با شکستن صندوقهای رأی دست
در سینهٔ نمایندگان شما زدند . بخاطر سپارید که
مرد م نمیخواهند وساوه با اعتراض به تقلبهائی که
در رنحوهٔ انتخاب کاندید اها صورت گرفته بود مجتان
را بارکرد ند واعضای شورای شهر آباد اصحیو باستعفا
ند ند وتلنتن راهم عدم استقلال مرد م از انتخابات
ذکر کرد ند . مرد م وکنند ان خواستار انحلال شورا-
های شهرشند ند وانتخابات د رنیز نیز چند ین محوّ
برحای کذ اشت وصد هانمونه دیکر . آیا شما این ها
را نمید اید وفراموش کرد ه اید که بد لیل رو شنـ د ن
تقلبهایتان د ر رحزب ارتجرها حتی محوریه انحلال
انتخابات ند ید ؟ مسلماً همینجا رابه طاق نسیان
نکوبید ه اید . امامنطق ارتجاعتان اجازهٔ اسحکو-
ئی وحرکت د رسیر خواستهای خلق را نمید هد .
مرد م عوامای حنا حهای مختلف حاکم را برسر قدرت -
کیری د رشوراها ، بعیان د ید ند وخوبی می د انند
که این حمکذ رکری نه بخاطر تأمین منافع آنها بلکه فقط
بفقط جهت ایعمال نفوذ بیشتر از طرف مرتجعان وکسب
قدرت بیشتر بود . نگاهی به رصد آراء ضبر کزاری
انتخابات مختلف د رچند ماههٔ اخیر نشان می د هـد
که این شما هستید که رو به زوال و ضعف می رویـد .
این شما هستید که بتد ریج پایه های توده ای خود را
از د ست د اد ه ومنفرد میشوید . بنابر آمار رسمی اعلام
شد ه از نلوبزیون قطب راد ه ، ۹۰ درصد رأی مردم به برای
جمهوری اسلامی ۹۰٪ ، برای انتخابات مجلس
"خبرگان" ۴۰٪ و برای انتخابات شوراهای شهر
فقط ۸ الی ۱۰٪ از کل واحد ین شرایط در رأی کیری
شرکت کرد ه اند . این سیر نزولی کویس رسوائی شمارا
به صد ار آورد ه است .
خلقهای قهرمان ایران با مبارزات پیکرخود د رچند
سال اخیر و اینك طی برگزاری انتخابات شوراها ثابت
کرد ند که ضعیف ونفهم نبوده و آنها را نمایند کانی
انتصابی از طرف رژیم سرمایه د ار ان وابسته امپریا-
لیسم کاری نیست . مرد م بخوبی د رانمی کنند که سرانجام
تبلیغاتیان د ر روغ محض بود ، و شما هرکز با آن کلماته
کنشاد شرعی ای که با تصویب اصل ولایت فقیه بر سرشا-
کد اشتید ، نمی توانید د رحالت آنها را برسر نشتنان
با تشکیل شوراهای واقعی ، تضمین کنید واین د م و
د ستکاه حد ید تان حیزی جز وسیلهٔ عوامفریبی شما

عناصر فاسد د رماشین سازی اراك

د ر موقع انتخابات هیئت مدیره "تد افع کارگران" تحت لوای اسلام شرکت و با نفوذ عناصر ضد کارگری به هیأت مدیره راه می یابد . بعد از یك ماه حقوق خود را ۵۰۰ تومان افزایش داد و مبلغ ۷۶۰۰ تومان بعنوان افزایش حقوق عقب افتاده از حساب کارخانه که جز نیروی کار ما کارگران نیست ، برداشت مینماید . این زمانی است که عده ای از کارگران تقاضای وام ضروری ناچیزی نموده بودند و جواب "بودجه نداریم" را از هیأت مدیره (رئوف) شنیده بودند .

اسد الله اسلامی - بنیانگذار انجمن اسلامی .

سال ۴۹ بعنوان کارآموز د ر مرکز آموزش استخدام میشود . بعد از مدت کوتاهی د رزمستان سال ۴۹ برای مدت یکسال جهت فراکیری تخصص شوروی اعزام میکرد د . دوستان هم د رمایش خاطرات حالبی از می خوارکی وعیاشی وی تعریف میکنند . پس از مراجعت از شوروی د ر آموزشکاه ریخته کری و اشعه ایکس مشغول کار میشود . . .

پس از مدتی به مرکز آموزش منتقل میشود و همزمان با کار د ر آنجا فروشکاه لوازم صنعتی د ر شهر د ائر میکند . بنابه کفتهٔ نگهبان مرکز آموزش (سید سجادی) نامبرده همه روزه مقادیری از ابزار و وسائل کارکاه را با خود از محوطه خارج میکند . بعد از اعتراض نگهبان به این د زد ی وی پیشنهاد رشوه میکند که نگهبان شریف و صدیق با حقوق ناچیزش از کرفتن حق حساب خود دارای وجدان را کزارش میدهد . ماجرای این سرقت صورت جلسه که پس از تحقیق و صحت جریان نامبرده اخراج میشود . این صورت جلسه د ر پرونده ها ، ایشان د رکارکزینی ماشین سازی میباشد بعد از قیام معلوم نیست فرد مذکور با حمایت حه کسانی و با چه د لائلی مجد د اً به کارخانه برکشته و با حقوقی بیش از شش هزار تومان د ر نصب و تعمیرات مشغول بکار میشود . د ر حالیکه سه رشته اش و نه تجربه اش به این کار مربوط میشود .

مولوی، مدافع امپریالیسم

محمد علی مولوی مد یرعامل بانك مرکزی ایران چندی پیش به لندن رفته و ازکرد ناراهها ی مناسب برای حیاول هرچه بیشتر ایران بوسیلهٔ امپریالیسم انکلیس فراهم آورد . "وی برد اخت ۲۰۰ میلیون د لار سهام بانکهای خارجی را د ر بانکهای ملی شد ه ایران تضمین کرد ه است" (بامد اد سه شنبه ۲۴ مهر) .
د ولت سرمایه د اران حاکم بهند اکراتی را که بوسیلهٔ مولوی این سرمایه د اروابسته با امپریالیسم انکلیس د ورت کرفته است را از د یدکاه خلق پنهان می ساز د تا بتواند توده های خلق را د رناآگاهی از د روبند هایش با امپریالیستها نکهد اشته واز این طریق منافع خود و امپریالیستها ی خونخوار را تضمین نماید .
بازبرد اخت ۲۰۰ میلیون د لار سهام بانکهای خارجی از بانکهای "ملی" چیزی نیست جز بر باد د ادن د سترنج کارکران و زحمتکشان میهنمان و افزود ن بر ثروت استثمارکران و تالانکران امپریالیستی . ●

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

حزب توده

"حقان" ، "از دست رفتن آزادی" و "قانیسم" را سرداده اند تا بیشتر مانه اینطور وانمود کنند که گویا در حال از دست رفتن در زیرحکمه های "قانیسم اسلامی" هستند " (رنجبر اردیبهشت ۵۸) ؛ " . . . ظاهراً این ماموستا "ضد امپریالیسم" و "ضد سرسخت رژیم گذشته" اند وفقط ازتجاوزاتی که به "آزادی" میشود رنجیده خاطرند . ولی وقتی مدتی مطالب وشعارگذشته را بین مطبوعات را نشان می کنید ، می بینید که تنها مفهوم این نوع عوام فریبیها را با ویمیکشد " (مردم ۲۷ ماه مرداد ۵۸) . حال خواننده خود بخوبی در می یابد که چگونه در بررسی ازیک مسئله اجتماعی این دو رویزیونیستهای مرتد متحد الفکرند .

اینان در رمورد علی بیان وهند ، اندر رمورد دیکتاتوری ازطرف کمونیستها وانقلابیون ، که بحق بهبود ، این چنین میگویند : " ضد انقلاب وواسته به امپریالیسم برای بقدرت رسیدن ، همیشه افکارعمومی را آماده می کند . هم اکنون امپریالیستها بویژه در اوبرقدرت آمریکا وروسیه در رژیم بررجم کاذب " دفاع ازآزادی " شدیداً مشغول توطئه اند ، در میان خلق تفرقه وناراضایتی نسبت به انقلاب وهرموی آب ایجاد می کنند " (رنجبر اردیبهشت ۵۸) . اینکه امپریالیستها همیشه در حال توطئه اند شکی در آن نیست . ولی کمونیستها هیچگاه کلی گوئی نکرده وبرای مسائل مشخص تحلیل مشخص ارائه می دهند . اما " رنجبریان " ، همچون گربه ای که از هرطرف بزند باید بر پا برزمین می نشیند ، همچنان به تحلیلهای رویزیونیستی دست می زنند . آنان باردر ستی خاصی که مخصوص مرتجعها است بی شرمانه طوری وانمود می کنند که گویا انقلابیون وکمونیستها ازاوستادگان به دوابرقدرت زهی وقاحت . " مردمیان" نظر " رفقای رجبری" خود را تکمیل می کنند : " اما آنچه که مربوط به "خطرقانیسم" وتحدید اختناق و عقیم کردن انقلاب است مانیز آنیم که این خطربطورواقعی وجود دارد . . . . . مسا این خطررا ازجای دیگر ، ازناحیه" امپریالیسم و عمال رنگارنگ " چپ " و راست ایرانیش . . . . خواه در سایه " ا ن ام وچکش " یاسرخدان مارکس ولنین برلب ، . . . . بهمدیگرسهانه های میافشد می دهند " (مرقل ۳ خرداد ۵۸) . تشخیص بعد چصحت گفتار این خائنان به خلق راسعه ۹ خواننده میگذاریم تا ببینند که چگونه آنها طوطی وارو مشی شد بر ترازرژیم سرمایه دار ان کوئی به نیروهای انقلابی وکمونیست می تازند . زمانیکه کمونیستها وانقلابیون اصیل براساس واقعیات جامعه ، ما ، امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا را در حال تجدید حیات واستحکام بوده ضعف در رایسه ان می دیدند ، وتمامی نمایلیتهای خود را حول محور ضد امپریالیستی سازمانی می دادند ، این جاموسان در تجزیه وتحلیلهای خود " قد برافراشتگان " در مقابل رژیم گونی را ازیکطرف تقابله های با ضمانت مارزیم بهای وازطرف دیگر رفقای " فدائی " می دانستند که آب به آسیاب امپریالیستها میریزند : " امانیروی سومی هم بود . این نیروی سوم که رهبری آمراجریکهای فدائی خلق داشتند ، ازهمان روزهای اول علامه کارشکنی با آن بردند داشتند ، آنها ازنقش نوزن شروع کرد ند وبرود ی کارخود را به " بلشویک بودن " و " دولت توسعه در ا ند . . . . ولی آنها مثل سفانه برجسرح بولتاریا را بدست گرفته بود ند ودر رژیم همین برجسرح اعتبار بود که با کارشکنی هایشان در راه پیشرفت کار دولت ملی آب به آسیاب امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم میریختند " (رنجبر شهریور ۵۸) . و حزب " توده " در این ارتباط چنین میگوید : " گروهکهای مائوئیستی که ما را از قانیسم می ترسانند ، در جهت تعمیق مواضع سرمایه داری انحصاری ، اخلال در اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی وپیوستن هرچه بیشتر قشرهای خرده بورژوازی به سرمایه داری بزرگ تلاش میکنند " (مردم ۲۶ خرداد ۵۸) . می بینید که هر دوی این تحدید نظرطلبان روسی وچینی یک چیز را میگویند وآن اینستکه کمونیستها وانقلابیون را متهمن خلق ما در روابسته کردن میهنمان به امپریالیستها نمی کنند ، ولی آیا انقلابیون ما در عمل وتفکر اشتباه نکرده اند که خطر را هر چقدر هم که کوچک بوده است در ارتکاب اند وعلیه آن مبارزه نموده اند ؟

زمانیکه زمامداران از وحدت راستین خلق ترس به دل راه داده و ، پس از بقدرت رسید نشان ازبیم آن که رهبری وسلطه فشان نابود شود ، دست به بلشویسری جسم بند بهای مصنوعی وتحریک آمیز زد ، و در همه سطوح کشور از مدارس گرفته تا کارخانه جات وموسسات و . . . عملاً خلق را به وحشیه مسلمان وغیرمسلمان ، کمونیست و غیرکمونیست تقسیم نمود ند ، " مردمیان " و " رنجبریان " از اصطلاح کارشکنیهای نیروهای مترقی در " دولت ملی " تلهرسائی کرده و می گویند : " این " رفقا " بی آنکه لحظه ای به عواقب کارخود بیاندیشند سبب شد ند که جبهه" متحد خلق بزودی به دو قسمت تقسیم بود ند که در یک طرف جبهه" وسیع مسلمانان مبارز با کلیه" گروهبند یها وجناحهای آن قرار داشت و در طرف دیگر نیروهای " چپ " با صافه" سختی ازنیروهای ملی ولی ناراضی وکلیه" غرب زده های رژیم طاغوتی وبخش وسیع ازنیروهای وابسته به امپریالیسم (طرفداران سلطنت ، طرفداران ختیار وغیره) " (رنجبر شهریور ۵۸) . اولاً از این آقایان سایسد پرسید که خود شان در این جبهه بند ی خود تر گرده در یک از طرف قرار گرفته اند ؟ وثانیاً می بینیم که چگونه این جاسوسان سرمایه کمونیستها را با نیروهای وابسته به ریک جبهه قرار داده اند . حقاً که رژیم بعد خلقی کموئی می بایست از این جریان مرتجع بعنوان بلند گوی تبلیغاتی خود استفاده کرده و دربرآورد ن منافع امپریالیسم آمریکا از آنان بیشتر از این کمک بگیرد که حتماً هم می گیرد . دست در دراین ارتباط " مردمیان " می گویند : " ما می بینیم که عمال امپریالیسم و رژیم سابق جناح راست افراطی وعناصر چپ نما ، که به صد ها شکل در آمده اند ودر همه" ارگانها وازآنجمله در دولت و کمیته ها وباسدار ان رخنه کرده اند ، با تبلیغات وسیع خود ، با استفاده از مشکلات ناگزیر انقلاب ، در اند ازشور وشوق انقلابی مردم ، ازاعتقاد اولیه" آنها به رهبران انقلاب و بویژه امام خمینی ، ازتزجرح آنها برای طرد هرآنچه ضد انقلابی می کاهند . . . " (مردم شنبه ۲۷ مرداد ۵۸) . آیا نمادخواننده" عزیز تفاوتی در تفکر این دو جریان رویزیونیستی در رابطه با الحمن براکنی به کمونیستها وانقلابیون اصیل در ریختن آب به آسیاب امپریالیسم ، یافته اید ؟ ما که نیافته ایم ، زمانیکه کمونیستها وطرفداران طبقه" کارگر سعی در برپائی سنتقلانه" نیروهای کارگر ، که روزنیروی طبقاتی وی با سرمایه در اران است ، داشتند ، اینان در فرا خواندن کارگران وزحمتکشان به تبعیت ازمرتجعترین جناحهای سرمایه در اران واسته ، حزب جمهوری اسلامی وشرکا" ، سریک برگسیفت گرفته وی خواستند کارگران وزحمتکشان ما را به نیالبحه" بورژوازی جسد ل سازند . شاید آنها اد عاکنند که خواسته اند با سطلاح تاکتیک بزنند که ناتوند های وسیع خلق ، که از آن حزب بشناسائی می کنند ، همصد ا باشند . . مارکسیستها هیچگاه هدف را فدای تاکتیک نمی کنند . آنها بهیچ گاه در زمینکه طبقاتی کارگران برعلیه سرمایه در اران را از روح سازش وصلح با بورژوازی بعد لتی سازند . از خطلتهای رویزیونیستها این است که سازشکاری خود را عنوان تاکتیک وانگلیزد ن به بورژوازی تبلیغ میکنند ولی همصد ائی با توده ها همفهومی مطلوبند اشتبه بلکه نسبی بوده وبستگی به آن دارد که آیا توده های تحت تأثیر رهبری ، در رجاه" صحیحی قد هیچگ ارند ویا اینکه به انحراف کشیده میشوند ؟ آیا توده ها حقیقتاً ، تحت تأثیر رهبری ، به منافعی که خواهان آن هستند ، خواهند رسید یا خیر ؟ گفتن اینکه جو" توده ها در ریشت علم وکف حزب جمهوری اسلامی و شرکا" ، در روزکارگر ، حرکت می کنند ، پس ما هم به احترام آنها در آن شرکت می وریم یک اپه ، تاکملا کشیش مآبانه ورویزیونیستی بوده ، نه احترام به خلق بلکه با نام وایصال طرح به طرفد ارای از اوبه جنگ زحمتکشان وکارگران رفتن وسازش در آن منافع بورژوازی است . لنین کبیر در این مورد میگوید " . . . این نکته" اصلی است : مسئله" بزرگی پلک سازمان آنقد رمهم نیست تا مسئله" اهمیت عینی وحقیقی سیاست آن : اینکه آیا این سیاست بیانگر منافع و در خدمت توده ها هست ، یعنی آیا هدف آن برآورده ها از قید سرمایه داری است ویا اینکه بیانگر منافع اقلیت (منظور منشویکها - ازما ست) ، سازش اقلیت با سرمایه در اری است ؟ (لنین - امپریالیسم انشعاب در سوسیالیسم ص ۱۰۱) منشویکهای ما هم ، درست ازیکطرف برای جا انداز کردن در ربار اماسای سرمایه در ارا ، واسته ، البته با ظاهراً مخالف ولی ناظماً موافق ، وجهت برآورد ن منافع امپریالیسم جهانی ، دست به سازش با آنها میزنند و ازطرف دیگر بدلیل جاسوسان سرمایه را در جنبشهای طبقه" کارگر بازی می کنند . بیهوده نیست که رژیم ضد خلقی به روزی نامه های این دو جریان رویزیونیستی اجازه" نشر آزاد انه وعلنی را صد هد . آیا فکری کنید که رژیم دو جناح بگیری دقیق به این عمل دست زده ؟ ؟ ؟ بنظر ما مسر . رژیم میخواهد از این دو جریان ازنهایت سو نفع خود وتثبیت خود استفاده نماید و ازسوی دیگر ما میگفت آنها به جنگ کمونیستها وانقلابیون میمن مامور و در رهبر وصورت ایده آل کمونیستی را در پیش چشم خلق وبویژه طبقه" کارگر خود ارو معرفی سازد . اما زهی خیال باطل !! کمونیستها وکارگران آگاه ، همچنانکه در روز جهانی کارگر نشان داد اند ، فریب در تضاد ند وبه همکاران " مردمی " و " رنجبری " شان ارخود و وهر تشبیه اجرائه بوسیله" امپریالیسم وبرتحمین داخلی مرحله" اجرا در آید ، خنثی خواهند نمود .

هرکسی که به تبلیغات رژیم ضد خلق برای درهم کوبیدن مقاومت بحق خلق کرد آشنا باشد میداند که چگونه انحصارطلبان با فتوا وورجسبهای واهی تحزیه طلبی ووابستگی به بیگانه میکوشند تا کاستن ازحدا ثرات مبارزه" خلق کرد ، مردم را به بیراه رکشی وادارند . سازمان " انقلابی " تجزیه ون کوکا ست همین تبلیغات زهر آگین را تکرار می کند . آنان حتی در یکی از اطلاعیه های خود خواهان فرستادن نیروهائی ازخود برای درهم شکستن " ضد انقلابیون " میشوند . اینان باین ترمی تمامی نمودند : " ورود نیروهای صلح - سپاه پاسدا - ران وارتش به مهاباد در رهفته" گذشته ، قیام صلحا - نه" ضد انقلابی علیه انقلاب و دولت ملی بطوریکه در درهم شکسته شد وسیر حرکت اوضاع پایان مرحله ازتلاش ملی خود را پشت سرگذ اشت . این مرحله با پیروزی انقلاب پایان گرفت ، چه در این منطقه یک قدرت سیاسی ملی ومستقل اداره وابرقدرت (یعنی دولت ملی) جایگزین یک قدرت واسته به ابرقدرت روس (یعنی رهبری حزب دمکرات) شد " (رنجبر چهارم مهر ۵۸) می بینیم که چگونه جنبش خلق کرد را که ماهیتاً جنبشی ضد امپریالیستی وعلیه دست نشاندگان قشود ال و سرمایه دار اهای واسته است ، واسته به ابرقدرت روس تلقی می کنند وهمچون تبلیغات رژیم ضد خلقی سازمانهای انقلابی خلق کرد را وابسته به حزب دمکرات تبلیغ مینمایند .

حزب " توده " نیز ، در همصوئی با برخی ازنوحاهای حاکمه که اظهار " ناراضایتی " نسبت به راه حل مسئله" کرد ستان می نمایند ، در نظا هر به دولت ، انتقاد مینماید ولی در واقع بر اعمال جنایتکارانه" وی صحه می گذ ارد . چراکه قصد دارد در رجنبش کرد ستان برای در رهم کوبی خواسته های بحق آنان با کمک رژیم نفوذ کرد ه واخلال نماید وبد ین ترتیب حایای محکمی برای اربابان کرملین نشین خود فراهم آورد . ازاین جهت میکوشد با منطق تنگ ونازد وبت ضد خلقی " خلق کرد ازصمیم قلب آرزوی آزاد اشته بود ارد که اولین حکومت ایران ، که برای نخستین بار در تاریخ زنجیر ستمهای را از گردن رو می برد ، آنرا حقوق ملی ورا تأمین خواهد کرد ، حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد " (مردم ۱۲ مهرماه ۵۸) . عملاً از اهمیت مبارزه" خلق کرد بکاهد واوبرابه رویزگی ازجمهوری اسلامی واد ارد . در رادامه ای در ربار" کرد ستان بار رهبر ست ازبسر " رهبرانقلاب " خمینی " که خود بعنوان فرما ند ه" کل قوا ستوحمله به کرد ستان را صادر کرد وبا فتوا ئی جنگی نا خواسته را بخلق کرد تحمیل کرد ، بر - نمیدارد ، ازوی نقل قولی می آورد که ازاز " کرد ستان بزرگ " و " عزیز " نا برده است تا بدین وسیله بر روی آتش خشم خلق کرد ، آب سرد پاشیده و در ستمزد خود را ازرژیم فعلی بعنوان انتشار آزاد روزی نامه اش بگیرد و سپس براساس گفتار بازرگان ، که در آن مانور عقب - نشینی سیاسی بخوبی جشمهیخورد ، ازطرف خلق کرد بحق بعنوان فریب توده ها رد شده است ، برنامه" خود را در رمورد کرد ستان بیان می کند . اینان بعاشقه کینه ئی که خود را مافوق طبقات میشمارد ، بد ولت و خلق کرد نصیحت می کند که دست ازخون ریزی بر - دارند ، محیطی آرام بوجود آورند که بتوانند زمسان مشترکی برای تفاهم در رمورد مسئله" کرد ستان بیدا کنند! در رهیچ قسمت ازاعلامیه" در ربار" مسئله" کرد ستان کلمه" مطلبی را طد قادر در نظر نگرفته وبیان نمیدا رند که حکومت مبارزه" د ارها هرگونه زمینه همان خود - مختاری را ، که هنوز تعیین سرنوشت خلق را به دست خود شان نیست ، برسمیت بشناسد و بازد رهیچ جا ازتاکتیک فریبکارانه رژیم ، که در اینجا وآنجا از راه - حلهای سیاسی صحبت میکند ، پرده برنمیدا رد ، نه باین دلیل که آنچه را که باید بیان شود نمیدا نند بلکه خیلی خوب میدا نند . پس د لائل کلی باقی - ماه ای این حزب چیست ؟ روشن است . آنها میخواهند ازیکطرف رژیم فعلی را با تمام نیروهای در دوانه رفعلی نگهد ارند وازسوی دیگر خود را بمثابه یک قطب مذاکره ومد اخله در امور کرد ستان ، البته نه بنفع خلق کرد بلکه بنفع سرمایه د اران واستثمار ولت مرکزی ، در حقیقی " اخلاص " گذ ارند ونهایتاً پایگاههای ستحکمتری برای ارباب ، سوسیال امپریالیسم روس ، مهیا نمایند .

" رنجبریان " و " مردمیان " ازامپریالیسم و " مبارزه" علیه آن در دو زندان لیکن وقتی در تئوری ما قیها وسیا - ستهای آنان در کنار هم قیس میبینیم که این دو نماینده گان و جناح از زمرمه د اران جهانی ، امپریالیسم آمریکا وسوسیال امپریالیسم روس " هستند . " مردمیان " می - نویسد فراوان در اینه که ازامپریالیسم آمریکا فقط انتقاد کند ، وهمین فقط انتقاد راهم زمانی که منافع اربابانشان به تنگ رسیدها امپریالیسم آمریکا بقیه در صفحه ۷

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

چه کسانی دهقانان را ضد انقلاب مینامند؟

مردم مبارز: ●●●● اکنون هفت ماه ازبحبوحه شعله ور شدن بساط رژیم سفاک پهلوی بوسیله قیام قهرمانانهٔ کارگران و دهقانان و خلقهای ایران می گذرد. ولی هیچ تغییر اساسی در جهت خواسته های برحق زحمتکشان ــ که برای رسیدن به آنها مبارزه کرد ند ــ در میهن ما نشده است. از دولت سرمایه دار ی و روحانیون پشتیبانی آن نمیتوان هم این انتظار را داشت.

دولت و واستگان آن با فد مهای بلند ی که بر ی د ارند زیرپوشش اسلام و دفاع از انقلاب، هرچه سریعتر ما را بد امان امپریالیستها وبخصوص امپریالیسم آمریکا می اند ازد. یعنی به جنگال همان عفریتی که سالها گلوی میهن ما را می فشرد و آنجان رژیم خونخوار و ابلیسی سرماگذ اشته بود که برای خلاصی از آن هفتاد هزار شهید د اد یم. ولی همینانکه د رگذ شته د رسایر ستمگریها و استثمار ایستا د یم اکنون نیزد رمقابل استثمار گران تحت هویتشی که با ند خواهیم ایستاد و عوامل آنها را د رشهروروستا افشا کرد ه و ازمبارزه با آنان یک د م ازپای نخواهیم نشست. البته سیاستهای ضد مرد می وضد استقلال وآزاد ی رژیم بهرسایه د ران و روحانیون که د رجهت ازبین برد ن د ستاورد های قیام و ایجاد کشوری زیرسلطهٔ سرمایه د اران وابسته به امپریالیستها است د رهمه جای میهن ما اعمال میشود ازکرد ستان وگنبد گرفته که مبارزات حق طلبانهٔ د هقانان رحمتکش را به خاک وخون کشید ند و یا د ر کارخانه ها که اعتصاب کارگران را د رهم می شکنند، تاروستاهای گیلان که هرگونه فشاروزورگوئی را سر کشاورزان اعمال می نمایند.

چند روزپیش (سه شنبه ۳/ ۷/ ۵۸) د رروستای بالا محله ناصرکیاء گرد هماتی از د هقانان (حد ود ۴۰۰ نفر) برای تعیین هیأت مد یره شرکت تعاونی صورت گرفت. که فرماند ار ا هیجان (کریمی) هم برای نظارت د راین گرد هماتی شرکت د اشت وسخنرانی هم ایراد کرد. د راین سخنرانی حون سیاستهای ضد مرد می قد رت حاکمه (د ولت وروحانیون) بخوبی منعکس است برآن تأکید می کیم.

آقای فرماند ار سخنرانی را از مد ح حضرت علی (ع) وامام خمینی با حند آیه ازقرآن شروع کرد ــ همهٔ عوامل رژیم کنونی برای پوشاند ن چهرهٔ واقعی خود با سلام وصلوات سخن می گویند وعمل می کنند ــ سپس گفت "یک نماینده ٔ واقعی باید مؤمن باشد واگرشوره خود ر چهار انگشت او را خواهم برید واینکه د رجامعهٔ اسلامی فقروغنی د رکنار قانون ساوینند."

د هقانان د رزند گی روزانهٔ خود صد ها خبر را میشنا سند که د رظاهر مؤمنند نمازی خوانند وباسم الله سمم ــ الله راه میروند ولی لیاقت نمایند گی را ند ارند. پس ملاک انتخاب یا نمایند ه واقعی فقط مؤمن بود ن نیست. نمایند ه واقعی د هقانان کسی است که از منافع زحمتکشان روستا حمایت کند. د رجهت آبادی روستا وراه اند اختن کارد هقانان کوشا باشد وازکار هائی که انجام میدهد روستائیان را د رحریان بگذ ارد وتازه این امکان پیا بند که روستائیان هم وقع تشخیص د اد ند که نمایند ه ای د رجهت خلاف منافع آنها قد م گذ اشت او را ازکار برکنار کنند.

فرماند ار ی گوید کسی که رشوه خورد چهار انگشتش را خواهم برید (جواجهار انگشت؟) اولاً امروز قرن نیستیم ــ د وره مرد ه د ار ی که نیست. ثانیاً مگر با برید ن انگشتها رشوه خواری بقیه د رصفحهٔ ۲

"اگر صحیح است که تکامل د راثر مبرز تضاد های داخلی و د رنتیجه مبارزهٔ قوای متضاد سرمایه "این اضد اد و برای غلبه بر این تضاد ها بوجود می آید پس واضح است که مبارزهٔ طبقاتی پرولتاریا بیلهه بد هٔ کاملا طبیعی و اجتناب ناپذ یر می باشد" استالین، تاریخ حزب کمونیست

مبارزهٔ طبقاتی اجتناب ناپذیر است

ازیکی د وماه بعد ازقیام بهمن ماه جنبش توده ٔ ای رفته رفته فروکش سود. رژیم حاکمه می بند اشت که د ر آینده مبارزهٔ یکی برتمام جامعه مستولی خواهد گشت وبلد رژیم بهستحکم، تاآرامش وثبات وبرپایه های مطمئن برپا خواهد نمود. چشمها ند ازنفوذ کمونیستها د رپس توده ها محدود و بنظر میرسید. اما اینها همه فقط ظاهر خارجی اوضاع جامعه را نشان میدهد. اگرما ازریابی وتحلیل خود را فقط براساس این ظاهر خارجی بد یده و مبتنی نمائیم، بی شائد چارا شتباه وسرد رگمی خواهیمند ود راین صورت بی گمان روحیهٔ یأس وبد بینی نسبت به آینده مبارزهٔ جنبش برما غلبه خواهد نمود. رفیق مائوتسه د ون میگوید "د رخرد برد ه اشیاء وبد یده ها ما باید به ماهیت آنها انفوذ کنیم وظاهر خارجی آنها را فقط بعثابه رهنمائی تلقی کنیم که راهمد خل را نشان میدهد وبمحض اینکه راه را نشان مید هد، باید بماهیت مسئله د ست یابیم، این یگانه اسلوب مطمئن و علمی تحلیل است." ((منتخب آثار ــ جلد اول، صفحهٔ ۱۷۸))

نگاهی د قیق به بطن جامعه ما هیت آنچه که د رپیش چشمهاست نشان مید هد که آثار تزلزل بحران د رکلیهٔ زمینه ها هم اکنون کاملا متبوت گرد ید ه است: د رزمینهٔ بازار احساس مصرفی، بویژه مهمترین مایحتاج مرد م، یعنی گرانی ــ مسئلهٔ بیکاری ــ سامان اجتماعی ــ تولید وبازارهای داخلی وغیره. آرتجاکها قتصاد جامعهٔ ما کماکان د رقید وابستگی به امپریالیسم قرار د ارد، ورژیم حاکمه به عامل حد ید این وابستگی تبد یل شد ه است، لذ ا این بحران بهرای د ستگاه حکومتی علاج ناپذ یر می باشد. این بحران بی شائد رتد اومخویش به تشد ید تضاد های طبقاتی ونتیجتاً نضج گیری مبارزهٔ طبقاتی خواهد انجامید. براساس این وضع مبارزمین طبقهٔ کارگروزحمتکشان و سرمایه داری وابسته، بین هقانان وزحمتکشان روستائی و ملاکین وعمال سرمایه د اری وابستهد روستا، د رکبار حاد خواهد گرد ید.

اینست بطورکلی روند نگاه ملی جامعهٔ ما که آگاهی برآن افق د ید ما را سوی آینده ٔ روشنان می گشاید وهرگونه آثارشک و تر د ید نسبت به آینده را ازمیان می ببرد. تاریخ مبارزات سیاسی د رایران ازسال اوجگیری مبارزات توده ای علیه رژیم فاشیستی شاه، وبویژه پس ازقیام ۲۳ــ۲۱ بهمن نشان د هنده ٔ رشد سریع آگاهی سیاسی سی تمام اقشار وطبقات ضد امپریالیستی باشد.

اگرچه آگاهی سیاسی د رپیش بخشهائی ازمرد م همواره زیرسایهٔ سنگین اوهام مذ هبی قرارگرفت واین موجب بروزتباهی وگمراهی برخی ازد ستجات مرد مگرد ید ه، اما هرروزکه میگذ رد واقعیات سخت زند گی استثمار زد ه، افکارمرد م بیشتر ازاین اوهام، گمراهی وتباهی حد اسیمازد. زیراکه د ستجات مذ هبی حاکم سیاستهای د ولت تنها به برخی اصلاحات حزئی پرد اخته وسهجوجه نمیتواند به اولیه ــ بقیه د رصفحهٔ ۶

شوراها قویترین ارکان مبارزهٔ انقلابی توده و واقعا مات سیاسی نوده و ٔ ای که شرکت توده و راد رساله اقتد ارعظیم سرمایهٔ مالی وضمایم سیاسی آنرا د رهم نکنند .... شوراها تشکیلات بلاواسطهٔ خود توده ها یعنی د مکراسی ترین ولد اعمتر ترین تشکیلات توده ها هستند. تشکیلاتی که شرکت توده و راد رساله خدمت ولد جد ید واد اره کرد ن آن بی نهایت آسان کرد ه وانرژی انقلابی ونیروی استکارا وستعد اد خلاقهٔ توده و راد رمبارزه برای تخریب رژیم قد یم و تأسیس بنای تازهٔ پرولتاریائی بالاترین وحهی آشکار می سازد." استالین ــ مسائل لنینیسم

شوراهای روستاخیزی ●● محکوم است ●●

پس ازبه خاک سپرد ن یک نیک نهاد های د مکراتیک بوسیلهٔ رژیم استلائی، که حاصل سازش بورژوازی لیبرال وخرد ه بورژوازی است با سرمایه د اران د لال ووابسته به امپریالیسم بود، پس ازتصویب قانون ولایت فقیه، که د رواقع شکل قانونی بخشید ن و به رسمیت شناختن اعمال د یکتاتوری برتوده و مبارزات خلق است، با ترفندهای توده ای، مبنی برخواست تشکیل شوراها، د ولت ضد خلقی بازگران د ست به یک مانور وعقب نشینی سیاسی زد. و دلتی که مخالف وسرخت برسمیت شناختن بقیه د رصفحهٔ ۸

حزب توده و سازمان انقلابی

یک روح در دو کالبد (۲)

سو سیال امپریالیسم روس برای آنکه ازانقلابات خلقهای جهان جلوگیری نماید و تزارتجاعی "که ازصلابت ــ آمیز ا رامیوطه کرد ه ومبارزات پارلمانی را به جای انقلاب می نشاند. وبا ارائهٔ "تز" ا رعرشد غیرسرمایه د اری" اد اعی کند که گویا با پیشرفت نیروهای مولد ه (کارگران ــ وسائل تولید) حرکات اجتماعی به طورسالمت ــ آمیزه سوسیالیسم حتمی گرد ند. وبسیارتزهای مرتجاعه ٔ دیگرکه د راین مقاله بآن نفی برد ازیم. حزب "توده" مرتد نیزند نبال این تزها روان گشته وازهمینجاست که زمانی ازرژیم فاشیستی شاه د فاع کرد ه وبه حرکات انقلابی خلقها لجن پراکنی می کند. ازسوی دیگرتئوری ضد انقلابی "سه جهان" ازطرف حزب باصطلاح کمونیست چین انتشاری یابد که د ربی اتحاد با امپریالیستهای غربی و رقابت با ابرقد رت سوسیال امپریالیستی روس، که امپریالیستهای غربی رابی آزار وضعیف وحتی اینجا وآنجا مد اافع زحمتکشان به حساب آورد ه وفقط ابرقد رت روس را غارتگروحمگ افروزو غیره مینامد تا بدین وسیله ازنفرت طبقاتی خلقهای جهان برعلیه امپریالیستها فی حیناالمجموع کاسته وازمبارزات رهائیبخش مبارزات بعمل آورد. بد نبال ارائهٔ این تزارتجاعی نیز سازمان "انقلابی" طرفد ار پروپاقرص آن شد.

حزب "توده" و سازمان "انقلابی" برای آنکه منافع ارباب ان روسی و چینی ــ آمریکائی خود را برآورد ه نمایند د ست به هرگونه مغلطه کاری میزنند. برای آنکه د رد ستگاه حاکمهٔ خد بد برنامهٔ ارباب خود راپیاد ه نمایند، د رتعریف وتمجید ازایــن د ستگاه ضد خلقی، گوی سبقت را ازیکد یگربربوده و منافع آنی وآتی خلق وازپرایگاه مالی می کنند. د رترپرما نمونه هائی ازبخود آمیابه مسائل مشخص جاری اجتماع خود می آوریم که خواننده خود به قضاوت بنشیند.

زمانیکه روزنامه های مترقی مورد یورش ارتجاع قرار گرفت، که این خود سرآغاز یک سلسله عملیات جنایتکارانهٔ بعد ی بود، کمونیستها وانقلابیون راستین خلق ما سایه های دیگاتوری وفاشیسم را که د رحال گسترش بود به خلق هشد ار اد ند. د راین میان "رنجبران" و "مرد مان" بازیرکمونی همصد اشد ه وچنین ا د ا سخن می د هند: "این توده های خلق بود ند که چون "آیند گان" را ازارتجاعیانی برعلیه انقلاب خود د ید ند بیاخاستند وآنرا طرد کرد ند، نه اینکه برزعم بعضیها، عد ه ای قلیل با اعمال د یکتاتوری خواهند ازانشتار آن جلوگیرند .... فریاد های د روغین "اختناق"، بقیه د رصفحهٔ ۹

رویدادها و اخبار کوتاه

آبادان ــ د اد گستری رژیم کنونی پشتیبان فئود الها وملاکین است. ازاین روکشاورزان واهالی قریهٔ فیروزی شهرستان آباد ه د ست به تظاهرات به تاریخ ۲۹ مهر ۵۸ زد ند.

بجنورد ــ ۸ نفرازد انشمندان تحصیلی سازمان ملی سواد آموزی بجنورد باتوجه به سابقهٔ کار ازکار برکنارشد ه اند ازاین جهت د رمخابرات شهربجنورد متحصن شد ه اند. فشاربرزحمتکشان ازخصائل د ولت ضد خلقی کنونی است.

لاهیجان ــ حد ود ۲۰۰ نفرازکارگران شهرد اری لاهیجان د رتاریخ ۳۰ مهرماه برای تحقق بخشید ن به خواسته های حقشان د ست به اعتصاب وتحصن د رمحوطهٔ شهرد اری زد ند وخواستار برکناری شهرد ار شد ند.

تهران ــ یکی ازمجروحان د رگیری منطقهٔ "خاک سفید" حواله به تهران پارس بنامه محمد امیر که بوسیلهٔ پاسد ار ازبه گلوله بسته شد ه بود، د ر بیمارستان د رگذ شت. رژیم ضد خلق کنونی زحمت ــ کشان وطن ما را که خواهان سرپناه هی برای خود هستند به گلوله می بند د وبعد هم د رکمال بی شرمی د م از د فاع ازآنان می زند. د روغگوئی یکی د یگرازخصائل سرمایه د اران است.

پارس آباد مغان ــ قد رتمند ان کمونی برای رفاه مرد م حتی یک قد م هم برنمید ارند. اخیراً سر اثر تصمیمات متخذه قرارشد ه است که بیمارستان ومخابرات پارس آباد را، که حد ود ۷۰ هزارنفر جمعیت د ارد، به شهرک غرب کشت وصنعت مکد ر حد ود ۲۰۰ نفرجمعیت د ارد، منتقل نمایند.

د راعتراض به این عمل، ۴۰ هزارنفرازاهالی پارس ــ آباد مغان د رروز ۲۸ مهرماه به راهپیمائی وتظاهرات اقد ام نمود ند وخواستار برکناری ملایان بد برگل بهد اری وبهزیستی وایجاد کاربرای بیکاران شد ند.

گرگان ــ رژیم کنونی بد لیل ماهیت ضد خلق خود تاریه مبارزه با فساد نخواهد بود.

چند ی پیش شیخ علی صمد ی باسمت حد ید ی د ر اد اره اوقاف شهرگرگان بقیه د رصفحهٔ ۷

پیش درجهت ایجاد حزب کمونیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org